

گوناگون صورت پذیرد. یکی از این مجراها رسانه‌های جمعی است که در تبدیل گفتگو و مفاهیم به فرهنگ در جامعه مدنی نقش انکارناپذیری دارد.

در جوامع پیچیده امروز، رسانه‌های جمعی بستر تولید افکار و مجرای برخورد آراء و نظریات مختلف هستند. همچنین رسانه‌ها به مثابه بستر جریان سیال و مسالمت‌آمیز افکار، ایده‌ها، خواست‌ها و نیازهای اجتماعی از کشیده شدن اختلاف عقیده‌ها و تباین افکار بر سر حل معضلات اجتماعی به تخصیص، پرخاش، خشونت و توسل به قوه قهریه، جلوگیری می‌کنند. در این فرایند، زبان رسانه ابزار تفهیم و تفاهم متقابل است و به شفافیت امور جامعه مدنی کمک می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی، یکی از نهادهای مقوم جامعه مدنی است.

در شرایطی که به مفهوم جامعه مدنی به مثابه یک مبحث حساس سیاسی و جامعه‌شناختی در جامعه ما توجه شده است، می‌توان با استفاده از رسانه‌های جمعی به تقویت آن اقدام نمود. جامعه مدنی به استقرار حکومت مدنی با رضایت افراد اطلاق می‌شود که به منظور برقراری آن باید نقش تشکلهای و نهادهای گوناگون را مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که در بالا آمده است، از مهم‌ترین نهادهایی که می‌تواند در گسترش و شکل‌گیری جامعه مدنی نقش مؤثری داشته باشد، رسانه‌های جمعی است که از این میان، تلویزیون رسانه‌ای است که مشمولیت و کلیت بیشتری دارد و نسبت به سایر رسانه‌ها فراگیرتر است. تلویزیون با این عمومیت و فراگیری، می‌تواند نقش مؤثر و مفیدی در شکل‌گیری جامعه مدنی داشته باشد. از رسانه تلویزیون می‌توان در مقام نهاد واسط مدنی یاد کرد که قادر است به سامان ارتباط بین فضای خصوصی (خانواده) و گستره حکومتی (دولت) بپردازد.

بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی‌ای همچون تلویزیون، از عمده‌ترین روش‌ها در جهت گسترش و ترویج جامعه مدنی، آموزش ملی و بالا بردن سلیقه عامه است و از این طریق می‌توان به نظامی مردمی دست یافت و کشور را به سوی توسعه سیاسی و اجتماعی سوق داد.

در این طرح، تحقیق مفهوم جامعه مدنی و ویژگی‌های آن، با عنایت به لزوم شرایط لازم برای ایجاد آن در جامعه و شرایط کنونی ما مورد بررسی قرار گرفته است و از طریق سنجش و ارزیابی نظریات دانشجویان، به عنوان قشر تحصیلکرده و آگاه بر آن شدیم تا هم اهمیت این مسئله را گوشزد نموده و هم به دریافت اطلاعاتی به عنوان راهکار و پیشنهاد دست یابیم، در عین حال شناخت زمینه‌های لازم در دیدگاه‌ها و شخصیت دانشجویان به عنوان جامعه نمونه، برای آمادگی پذیرش شاخصه‌های جامعه مدنی، از دیگر نیات اجرا نمودن این طرح تحقیقی بوده است.

### اهمیت موضوع

از آنجاکه بحث از جامعه مدنی، بحث توسعه و ایجاد شرایط آن را به ما گوشزد می‌کند، بنابراین سخن گفتن از جامعه مدنی در جهان امروز و بالأخص در کشور ما، لزوم بحثی ضروری در مورد رشد و توسعه را از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طلب می‌کند و از آنجا که همه شروط لازم باید دست به دست هم دهند تا ما را در طی نمودن این مسیر پرنشیب و فراز یاری دهند، برای ایجاد انگیزه در توسعه و فرایند همکاری آحاد ملت، قبل از هر چیز، مردم باید توسعه را بشناسند و اطلاعات و اندیشه‌های جدید را به دست آورند، آنها باید لزوم تغییرات را دریابند و به عبارت دیگر، ابتدا لازم است که سطح آرمان‌ها و خواسته‌های مردم بالا رود و افراد برای خود و کشورشان بهتر و بیشتر بخواهند و درک کنند که در یک جامعه عقب‌مانده، انسان به رفاه روحی و جسمی و شرایط یک جامعه پیشرفته و مناسب نمی‌رسد.

در نتیجه، آموزش مهارت‌ها و ارزش‌های مطلوب، ضروری است. اهمیت رسانه‌های همگانی در این تحول و دگرگونی به حدی است که این وسایل، پشتوانه و زیربنای تغییرات اجتماعی در توسعه ملی به حساب می‌آیند، با استفاده صحیح از رسانه‌های جمعی، می‌توان اهمیت پیشرفت صنعت تکنولوژی را به مردم نشان داد و ذهنیت مناسب را در این مورد به وجود آورد و توجه مردم را به فواید نوسازی و تغییرات در ابعاد گوناگون آن جلب نمود. بنابراین رفتار دلسوزانه مسئولین و عملکرد صحیح آنها سازماندهی و هدایت درست در جهت این اهداف و خواست مردم، می‌تواند موجب گسترش اندیشه‌های عقلایی و منطقی، ایجاد روحیه تعاون، بالابردن سطح آگاهی، بیداری افکار عمومی و بالأخره ایجاد زمینه‌های لازم برای نهادینه شدن ارزش‌های فوق و اهمیت به وجود آمدن ویژگی‌های جامعه مدنی را در مردم فراهم آورد.

### هدف از انتخاب موضوع

با عنایت به وضعیتی که کشور و جامعه ما به‌عنوان یک کشور در حال توسعه دارد و با عنایت به لزوم گذار از مرحله کنونی به مرحله رشد صنعتی و پیشرفت در ابعاد گوناگون و همگام شدن یا کمتر نمودن فاصله این پیشرفت بین کشورها و سایر کشورها، ضروری به نظر می‌رسد تا به امکانات بالقوه خود نظری داشته باشیم و درباره توانمندی‌ها، مشکلات و امکانات تحقق جامعه مدنی به گفتگو و عمل بپردازیم.

آنچه مسلم است، پیش‌فرض به وجود آمدن ویژگی‌های جامعه مدنی، ایجاد ذهنیت‌های لازم برای تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در فرد فرد افراد جامعه می‌باشد و این تغییرات جز از طریق رسانه‌های جمعی و فراگیر ممکن نمی‌باشد.

بنابراین گام نهادن در این راه و همگام شدن با رشد جهانی، اهمیت هرچه بیشتر توجه به لزوم

ایجاد تغییرات نگرشی و رفتاری در مردم سرزمین ما را با عنایت به فرهنگ ایرانی و اسلامی بیشتر از پیش خاطرنشان می‌کند.

می‌دانیم که امروزه وسایل ارتباط جمعی و بالأخص رادیو - تلویزیون از عوامل اساسی در شکل‌دادن به افکار عمومی و ایجاد انگیزه‌های لازم جهت تغییرات از جنبه‌های مختلف می‌باشند، در نتیجه تغییر جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها، افکار کهنه و دست و پا گیر و بسیاری از عوامل ضد پیشرفت و توسعه، جز از طریق نفوذ و تأثیرات رسانه‌ها، در جهت طرح‌نمودن شاخصه‌های جامعه مدنی از طریق آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد.

در این طرح تحقیق، هدف ما سعی بر شناخت ویژگی‌ها و عوامل مؤثر و مقوم برای ایجاد تغییرات موردنظر از طریق رسانه‌ها و توجه هرچه بیشتر بر محدودیت‌ها و امکانات موجود بوده است تا بتوانیم شرایط لازم را برای همگام‌شدن با قافله جهانی پیشرفت با فرهنگ‌سازهای صحیح به‌دست آوریم.

### سوالات تحقیق

- 1- آیا فراهم آوردن شرایط ایجاد جامعه مدنی در کشور ما در حال حاضر ضروری به‌نظر می‌رسد؟
- 2- آیا شرایط ساختاری لازم در جامعه فعلی ما برای تحقق جامعه مدنی موجود است؟
- 3- چه نهادها و یا عواملی می‌توانند ما را در ایجاد زمینه‌های آن یاری برسانند؟
- 4- آیا رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد امکانات لازم برای به فعلیت رساندن جامعه مدنی ایفا نمایند؟
- 5- اولویت‌های ارزشی در جامعه امروز ما در صورت تلاش برای تحقق جامعه مدنی چه هستند؟
- 6- چگونه می‌توان اولویت‌های ارزشی اسلامی - فرهنگی را در زیر ساخت جامعه مدنی در حال تکوین جاری نمود؟
- 7- تلویزیون به‌عنوان یک رسانه پرمخاطب در جهت به‌وجود آوردن ذهنیت‌ها و فرهنگ لازم و مساعدنمودن زمینه برای امکان تحقق جامعه مدنی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟
- 8- دانشجویان به‌عنوان یک قشر تحصیلکرده و روشنفکر در یاری‌رساندن به تحقق جامعه مدنی چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟
- 9- جایگاه و نقش تلویزیون در بسترسازی برای ایجاد مفاهیم جامعه مدنی از دیدگاه دانشجویان چه بوده و چگونه می‌تواند باشد؟
- 10- آیا دانشجویان به‌عنوان نمونه، زمینه فکری و اعتقادی لازم را در جهت ایجاد و به ثمر

رساندن جامعه مدنی دارا می‌باشند؟

### فرضیه‌های تحقیق

در ارتباط با پژوهش مورد نظر، فرضیاتی تعیین گردید و برای هر فرضیه نیز سؤالاتی مطرح گردید. برای برخی از سؤالات جداول یک‌بُعدی و سپس جداول دو‌بُعدی جهت یافتن همبستگی بین متغیر یا ویژگی موردنظر و شاخصه‌ای دیگر که معمولاً تماشای تلویزیون یا تحصیلات دانشگاهی موردنظر بوده است، بررسی گردید. برای برخی از سؤالات نیز، صرفاً جدول یک‌بُعدی تهیه گردید و اطلاعات حاصل از آنها به‌منظور شناخت برخی عناصر و ویژگی‌ها و یا به‌دست آوردن برخی راهکارها و پیشنهادهای مورد استفاده قرار گرفت.

فرضیه‌های تحقیق شامل موارد زیر می‌باشند:

- 1- تلویزیون با برنامه‌ریزی و جهت‌دهی اصولی می‌تواند زمینه‌های لازم را به‌منظور ایجاد ذهنیت و لزوم تحقق جامعه مدنی فراهم آورد.
- 2- بین تماشای برنامه‌های تلویزیون و توجه بینندگان جهت مشارکت در فرایند تحقق جامعه مدنی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- 3- بین تحصیلات دانشگاهی و آمادگی بینندگان برای پذیرش تفکرات جدید در جامعه، رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه اول در این طرح تحقیق با توجه به مبانی نظری در بخش تغییرات اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. باید خاطرنشان کنیم که با توجه به نتایج به‌دست آمده، بین تماشای تلویزیون و شاخص‌های مطرح شده فرضیه دوم مبنی بر وجود ارتباط بین تماشای تلویزیون و مشارکت بینندگان و آمادگی آنها در جهت این مشارکت در جهت تحقق مفهوم جامعه مدنی، مورد تأیید قرار گرفت. همچنین فرضیه سوم با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات که زمینه‌های فکری و آمادگی دانشجویان را در ارتباط با افکار جدید و مقوله توسعه جویا شده بودیم، می‌توان گفت اکثریت قریب به اتفاق ویژگی‌های موردنظر در دانشجویان وجود داشت و در نتیجه این فرضیه نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### طرح مسئله و بیان مفاهیم

#### مفهوم جامعه مدنی

می‌توان گفت جامعه مدنی حوزه مستقل و سازمان‌یافته‌ای است که در عین تنظیم رفتار شهروندان و محدود ساختن مداخلات دولت، میانجی مناسبات دولت با اتباعش نیز می‌باشد؛ به بیان دیگر، جامعه مدنی، حوزه‌ای است خارج از خانواده، دولت و کسب و کار، اگر خانواده را

حیطه خصوصی بدانیم، دولت را حیطه حاکمیت و اعمال قانون، و محیط کار را حیطه اقتصاد، بین این محیط‌ها جایی باقی می‌ماند که متعلق به اجتماع است و آن را حیطه عمومی یا اجتماعی یا همان جامعه مدنی می‌گوییم (علوی، 1375: 182).

پاره ای صاحب‌نظران برای توضیح و تعریف جامعه مدنی، به مؤلفه‌های دیگری اشاره کرده‌اند؛ از جمله در یک دیدگاه «جامعه مدنی» در برابر «جامعه بدوی» فرض شده است. از این منظر، انسان به نحو طبیعی زندگی می‌کند و بی‌تمدن است و در مقابل، در جامعه مدنی انسان‌ها متمدن هستند و از حالت خودسری به نظم تمایل پیدا می‌کنند.

در مورد دیگر، جامعه مدنی در مقابل «جامعه توده‌وار» فرض شده است و از این رو مشخصاتی برای هر یک از شمرده شده است. از جمله ویژگی‌های جامعه مدنی عبارتند از: فردیت و محفوظ ماندن هویت فردی، خردورزی و تعقل، تکثر، رقابت، اصالت قانون و قانون‌گرایی و نیز دایره اجتماعی مشارکت شهروندان، رعایت حقوق یکدیگر، مساوات در برابر قانون و ... . در واقع این خصوصیات، از جمله ذاتیات جامعه مدنی به حساب می‌آید، در اینجا جامعه مدنی در مقابل جامعه توده‌وار است که ویژگی‌های ذکر شده در مورد جامعه توده‌وار صدق نمی‌کند.

### کارکردهای جامعه مدنی

برای جامعه مدنی در حیطه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و ... می‌توان کارکردهایی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد که در اینجا به عمده‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

#### 1- تفکیک امور خصوصی از امور عمومی:

یکی از کارکردهای مثبت جامعه مدنی، مرزبندی میان امور خصوصی و امور عمومی است. یعنی جامعه مدنی می‌تواند فاصله بین فضای رفتار خصوصی و فضای رفتار عمومی افراد را معقول و منطقی کند.

در فضای تفکر اسلامی، با التزام به اصول ثابت ارزشی، تا حدودی امر عمومی از امر خصوصی تفکیک شده است و فرض بر این است که رهبران و داوران اجتماعی باید این دو را از یکدیگر تفکیک کنند. به نظر می‌رسد موارد فراوانی از امور خصوصی وجود دارد که در شریعت اسلام، کاملاً خارج از تصمیم‌گیری‌ها و فارغ از هرگونه تصمیم‌گیری عمومی قرار داده شده است؛ در این موارد، کارکرد جامعه مدنی اسلام با جامعه مدنی غرب، نزدیک می‌شود، اما در اسلام مواردی از امر خصوصی نیز وجود دارند که این چنین نیستند، بلکه در یک رابطه طولی با امور عام‌تر قرار می‌گیرند و در نهایت به امر عمومی در کلیت و کتمان آن می‌رسند.

بنابراین می‌توان مرزبندی میان امر عمومی و امر خصوصی در جامعه اسلامی را صرفاً در قالب

مرزبندی میان امور عمومی یا رفتار خصوصی اخلاقی پذیرفت و این ضابطه را پذیرفت که هر گاه کسانی در اخلاق عمومی رفتاری داشته باشند که از خصلت انسانی و شرعی قابل قبول نباشد، دارای شخصیت منفی قلمداد شوند، ولی هیچ‌گاه نباید اخلاق خصوصی وی معیار قضاوت قرار گیرد.

## 2- تخصصی شدن امور:

از دیگر کارکردهای جامعه مدنی، تخصصی شدن امور است؛ بدین صورت که جامعه مدنی محدوده‌های اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کند و هرکس در قالب چارچوب‌های خاص خود، یک جایگاه حزب یا جمعیتی را می‌یابد که نسبت به نیازهای خاص او حساسیت نشان می‌دهد و نظام اجتماعی را به سمت برآوردن آن نیازها، سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد که این کارکرد، بسیار خوب است و در بستر اندیشه دین هم مورد تأیید قرار می‌گیرد. در دوران جدید، فرایندهای اجتماعی، پیچیده‌تر می‌شوند و سیاست بر اقتصاد، اقتصاد بر سیاست و هر دو بر فرهنگ و هر سه بر خانواده و هر چهار عامل بر تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارند و همه با هم در حقوق اجتماعی جای می‌گیرند. در چنین جامعه‌ای ما نمی‌توانیم با نگرش‌ها و موضوع‌شناسی‌های ساده، رفتار اجتماعی را جهت‌دار و الگودار کنیم؛ چراکه از این طریق جایگاه افراد و میزان تخصصشان می‌تواند تعادلی را در تقسیم وظایف و همچنین اداره شدن امور ایفا نماید و در عین حال، نظمی متعادل و منطقی را در جامعه ایجاد کند.

## 3- جریان یافتن عقلانیت جمعی:

کارکرد دیگری که در مورد جامعه مدنی مطرح شده است، به جریان افتادن عقلانیت جمعی است که باعث می‌شود در تصمیم‌گیری‌ها و بررسی‌ها به‌عنوان معیار شناخت و داوری، قرار گیرد. در واقع در جامعه مدنی و شهروندانی که تابع اصول و قوانین این جامعه باشند، همکاری، شراکت گروهی و استفاده از عقل و تجربه سایر شهروندان و علم و تخصص و تجربه آنها می‌تواند در مورد امور قابل تصمیم‌گیری، بسیار مهم و کارساز باشد. بنابراین یک اجتماع عقلانی و رجحان و برتری آن بر تصمیم‌گیری فردی، از مزایای عاری شدن عقلانیت جمعی و کاربرد آن در جامعه است.

## 4- تکثیرپذیری اجتماعی:

عنوان فوق از کارکردهای دیگر جامعه مدنی است؛ بدین معنا که وقتی علایق، ذائقه‌ها و امیال، به رسمیت شناخته می‌شوند، در عرصه اجتماعی، آزادی عمل می‌بیند. در اندیشه سیاسی نیمه

اول قرن بیستم، ترجیح ذائقه و رأی اکثریت بر اقلیت را حقی در جانب اکثریت نسبت به اقلیت قلمداد می‌کردند، اما در تفکر امروز غرب، مطرح می‌شود که ترجیح نظر اکثریت بر اقلیت، به لحاظ وجود حقی برای اکثریت نیست، بلکه ابزار و مکانیسمی برای یافتن رهایی از بن‌بست تقابل آراء است.

### 5- کنترل قدرت سیاسی:

کارکرد دیگری که برای جامعه مدنی ذکر کرده‌اند، کنترل و تعدیل قدرت حاکمیت نسبت به مردم است؛ یعنی جامعه می‌تواند با ایجاد نهادهایی واسطه بین حاکمیت و مردم، حقوق این دو را نسبت به یکدیگر تعدیل کند.

### گفتمان جامعه مدنی

گفتمان مفهومی است که نظریه‌پردازها تعابیر مختلفی را از آن ارائه داده‌اند. در بیان کلی، وجود اجماع اکثر آنان، گفتمان به تمامی آنچه که گفته و نوشته می‌شود، اطلاق می‌گردد؛ اعم از تحولات، موضوعات و مطالب گفتاری و نوشتاری و هر آنچه که به گفتگو، تبادل آراء و مذاکره فرا می‌خواند. دایان مک دانل<sup>1</sup> در کتاب نظریه‌های گفتمان، گفتگو را شرط مقدماتی هر گفتمان می‌داند و از آنجا که هر نوع کلام یا نوشتار جریان اجتماعی محسوب می‌شوند، لذا گفتمان نیز پدیده‌ای اجتماعی است و زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی دارد؛ به عبارت دیگر، اظهارات و مطالب بیان‌شده و معانی آنها جمله‌گی بستگی به این نکته دارند که بستر زمانی، مکانی، موارد کاربرد و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب یا قضیه، در چه حالت و شرایطی با توجه به شکل، نوع و محتوای هر گفتمان، به کار می‌روند (نوذری، 1379: 205). در واقع، از نظر نظریه‌پردازان، این تلاش صورت می‌گیرد تا یک عرصه کامل از رویه‌های اجتماعی را در یک عنوان موضوعی جای دهند (اینگلیس، 1377: 334).

در گفتگو در درجه اول، افراد با افق‌ها و زمینه‌های گوناگون فکری، اجتماعی و فرهنگی گرد هم می‌آیند و سپس در مرحله بعد، برای فهم این تفاوت‌ها و گونه‌گونی‌ها، کنش همدیگر شکل می‌گیرد و پیامد این کنش چندسویه، زمینه‌ساز توافق و تفاهم بعدی است. بر این اساس گفتگو، کنشی است هرمنوتیکی برای درک و شناخت دیگری. پس پارادایم گفتگو از واقعیت، برداشت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد و واقعیت در آن، فقط آن چیزی نیست که حضور دارد، بلکه همه آن امکان‌هایی است که به‌شکلی نهفته وجود دارند و کنش هرمنوتیکی می‌کوشد و این اشکال نهان و نهفته واقعیت را کشف کند و بشناساند و امکان تعالی و رشد فکری انسان را

<sup>1</sup> - McDonnell

فراهم سازد (لویناس، 1380).

البته گفتمان می‌تواند هم در حفظ وضع موجود و هم در تغییر آن تأثیر داشته باشد، بسته به آنکه منشأ بروز و مسیر و هدف آن چه باشد. بنابراین می‌توان گفت که برای تغییر ساخت جامعه و یا برای شکستن ساخت موجود و استقرار ساخت مطلوب، می‌توان از شیوه‌های گفتمانی بهره جست. در مورد توفیق گفتمان در ساخت یا استقرار نظمی نو (برای مثال جامعه مدنی) و یا تغییر سامان اجتماعی، توجه به نقش سه‌گانه گفتمان لازم است:

- 1- نقش تحریکی گفتمان، به نیت ایجاد حرکت و تغییر و بسته به میزان تأثیر تبلیغات و شیوه‌های بیان آن
- 2- نقش احساسی گفتمان، برای زمینه‌سازی پذیرش ساختارهای جدید از طریق برانگیختن احساسات
- 3- نقش اقناعی گفتمان، بسته به انجام منطقی و همگونی آن با ارزش‌های غالب (کاظمی، 1376: 352).

#### جامعه مدنی یا مردم‌سالاری دینی

بحث راجع به جامعه مدنی و شرایط تحقق آن، علاوه بر نظریاتی که مطرح شد، به صورت موردی و خاص با عنایت به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی که در جامعه ما موجود است، باید مورد کنکاش قرار بگیرد. هرچند بررسی همه ابعاد این مقوله، امری مشکل به نظر می‌رسد؛ چراکه در کشور ما هنوز بخش نظری این موضوع نیز کاملاً تبیین نشده و حدود و حریم آن مشخص نشده است. امروزه سعی می‌شود بیشتر در کنار اصطلاح جامعه مدنی و یا به جای آن از اصطلاح «مردم‌سالاری دینی» استفاده شود. در بخش نظری نیز اظهارات برخی از مقامات رسمی کشور که با استناد به مدینه‌النبی، حریم جامعه مدنی اسلامی را از جامعه مدنی غربی - که ریشه در دولت‌شهرهای یونانی دارد - جدا می‌کند، نشان‌دهنده جایگاه این مقوله، در حوزه اندیشه اسلامی است. از دیدگاه دینی، بسیاری معتقدند که اگر نگاهی به تحولات سه قرن اخیر بیندازیم، خواهیم دید که جامعه مدنی هم‌زاد با پدیده مدرنیسم بوده است؛ مدرنیسمی که بر سه رکن سکولاریسم، اومانیزم و لیبرالیسم استوار است. با این نگاه، طبیعتاً در جامعه‌ای که مبتنی بر اندیشه دینی و خدامحوری (و نه انسان‌محوری مطلق) است و نیز برای دولت و هیئت‌حاکمه، در هدایت انسان‌ها نقش قائل می‌باشد، جایی برای این نوع جامعه وجود ندارد. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چه نسبتی میان جامعه دینی اسلامی و جامعه مدنی وجود دارد؟ در واقع آنچه قابل ذکر است اینکه دین و جامعه دینی، خود در واقع نوعی مدنیت، تمدن و ضابطه و حدود قانون است؛ به این معنا که این مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که



مشخصاً تحت پوشش و حمایت آن قرار می‌گیرد. واقع، می‌توان این دو جامعه را هم در تعارض و تضاد با یکدیگر قرار داد و هم می‌توان از دستاوردهای جامعه مدنی برای ترقی جامعه دینی بهره‌برداری نمود. در این مفهوم اگر آزادی به معنی روشی در جهت گسترش آگاهی و رشد و توسعه شعائر اسلامی و ارزش‌های آن به کار گرفته شود و اگر دموکراسی به عنوان روشی برای انتخاب حاکمان و نمایندگان مردم باشد، پلورالیسم به معنی پذیرش تنوع و تکثر آراء و منابع اطلاع‌رسانی و زندگی مسالمت‌آمیز اقلیت‌ها و فرقه‌ها با حفظ ارزش‌ها و اصول یکدیگر باشد و اگر قانون‌مداری و قانون‌گرایی که توسط غربی‌ها وضع شده باشد با اصول و مسلمات دینی، تعارض جدی نداشته باشد، به این معنی جامعه دینی و جامعه مدنی با هم در تعارض نخواهند بود (نبوی، 1376: 114-111).

در مدنیت اسلامی مبانی ثابت و پایداری وجود دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: وجود اصول ثابت ارزشی که بر مبنای دیدگاه‌های فقهی است. مبنای دوم، اصل وجود رهبری است که در تعبیر کلامی شیعه از این اصل به امامت و ولایت، تعبیر شده است. مبنای سوم، ضرورت وجود جایگاه تطبیق عمل اجتماعی یا نظریه دینی است که بخشی از آن به جایگاه رهبری، بخشی به شورای نگهبان و یا دیگر نهادهای حقوقی و قضایی مربوط می‌شود. مبنای چهارم، پذیرش قرارداد اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی است که می‌تواند مبتنی بر رأی عمومی و میثاق‌های اجتماعی تنظیم شود. در اینجا می‌توانیم متذکر شویم که در قانون اساسی کشورمان که ملهم از قوانین اسلامی است، می‌توان اصولی را تشخیص داد که با شاخصه‌های جامعه مدنی به طور اخص نزدیکی دارند و در همین حال، برخی اصول با قوانین غربی کاملاً مغایرت داشته و یا اصولاً و صرفاً بر اساس موازین اسلامی تعیین شده است (اصول قانون اساسی، اصل 4، 14، 46، 43، 81، 5 و 165).

### نقش رسانه‌ها در روند شکل‌گیری جامعه مدنی

در شرایطی که در جامعه ما به مفهوم جامعه مدنی به عنوان یک میحث حساس سیاسی و جامعه‌شناسی توجه شده است، می‌توان با استفاده از رسانه‌های جمعی به تقویت و نهادینه‌شدن آن پرداخت؛ هرچند تفاوت‌های مهمی بین رسانه‌ها، جوامع ملی و نوع نظام اجتماعی وجود دارد، با این حال، وجوه تشابه فراوانی بین آنها دیده می‌شود. مجاری و رسانه‌ها از جهت اعتبار، دسترس‌پذیری فیزیکی و روان‌شناختی و ویژگی‌های دیگر با هم فرق دارند. در مورد انتخاب رسانه تا به حال مطالب زیادی نوشته شده است، ولی نکته مهم که شاید بدیهی باشد، ولی اهمیت زیادی برای برنامه‌ریزی ارتباطی دارد، این است که همه رسانه‌ها نقاط قوت و محدودیت‌هایی دارند.

متون علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در مورد دیپلماسی عمومی، مفهوم رسانه‌های سریع و رسانه‌های کند را طرح می‌کنند. برخلاف دیپلماسی سنتی که به مذاکرات میان دولت‌ها اشاره دارد، دیپلماسی عمومی به راه‌های گوناگون به‌ویژه ارتباطات، اشاره می‌کند که دولت یا افراد می‌کوشند تا از آن راه‌ها در نگرش شهروندان دولت‌های بیگانه نفوذ کنند و بر رفتار آن دولت‌ها تأثیر بگذارند. در واقع، دیپلماسی عمومی را می‌توان ارتباطی دانست که به دست دولت ملی برنامه‌ریزی شده است.

براساس این دیدگاه، رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، رسانه‌های سریع و فیلم نمایشگاه، آموزش زبان و مبادلات دانشگاهی و هنری، رسانه‌های کند هستند. در دیپلماسی عمومی، رسانه‌های سریع مورد توجه مکتب تندروهاست که معتقدند هدف از دیپلماسی عمومی نفوذ در نگرش مخاطبان بیگانه از طریق اقناع و تبلیغات است. در اینجا اطلاعات سیاسی صرف، مهم‌تر از برنامه‌های فرهنگی قلمداد می‌شوند و در عین حال از لحاظ اهداف سیاسی کاملاً کوتاه مدت به نفع کشور است. رسانه‌های کند، مورد پسند مکتب میانه‌رو است که مدعی است اطلاع‌رسانی و برنامه‌های فرهنگی باید از اهداف سیاسی کم‌تر رایج اثرات می‌باشد. یکی از این مفاهیم، «اثر مضاعف»<sup>1</sup> است؛ به نظر آنها این تأثیر، زمانی روی می‌دهد که یک پدیده، صرفاً به این دلیل که در معرض ارتباط دیداری یا شنیداری قرار گرفته است، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود (مانند یک رویداد ورزشی)، در مورد «اثرات وارونه»<sup>2</sup> باید گفت که یک نوع آن به درک و دریافت موضوع از جانب مخاطب و اثری که در او پدید می‌آید، می‌باشد که در واقع برخلاف اثری است که مورد نظر ارتباط‌گر بوده است؛ یعنی گاه ممکن است بر اثر تبلیغات، یک موضوع ضد ارزش به ارزش تبدیل شود و موجب تشویق مصرف‌کننده نسبت به آن کالا یا وسیله شود. همچنین در این مقوله باید گفت در دهه‌های گذشته، مخاطبان را در مقابل رسانه‌های جمعی منفعل به حساب می‌آوردند، اما در جهان معاصر با توجه به مشارکت هرچه بیشتر مخاطبان و پیشرفت وسایل ارتباطی و امکان برقراری ارتباط دوسویه از جانب فرستنده و گیرنده پیام، مطرح نمودن دیدگاهی چون نظریه «ارتباط شبکه‌ای» که بر درک متقابل و سهیم‌شدن مخاطبان در اطلاعات تأکید می‌کند و بر ویژگی‌هایی چون باز بودن، پیوستگی تنوع و یکپارچگی در مسیر ارتباط اشاره دارد، تلاش دوجانبه برای اقناع را یادآور می‌شود.

بنابراین مفاهیمی چون قانونمندی، تعادل رفتارها، کثرت مطبوعات و رسانه‌ها، شاخص‌هایی برای رسیدن به جامعه مدنی یا به تعبیری مردم‌سالاری دینی است. به نظر می‌رسد زمینه‌سازی برای تحقق جامعه مدنی، پیش‌شرط توسعه است، اما شرط کافی برای آن نیست و باید تلاشی

<sup>1</sup> - Double effects

<sup>2</sup> - Reverse effects

همه جانبه را از طریق به کار گیری ابزار تکنولوژی و نهادینه نمودن بسیاری از رفتارهای مناسب و قانون مداری، به عمل آورند و توجه خود را به بالاترین اهداف بلندمدت ملی معطوف نمایند. هدف این است که فضایی برای تفاهم به وجود آید و پیام‌هایی را درباره سبک زندگی، نظام سیاسی و اقتصادی، موقعیت‌های هنری و امثال آن ارائه کند. در واقع، این رویکرد می‌تواند برنامه‌ریز را نسبت به راهبرد ارتباطی از یک سو و انتخاب رسانه، هشیار کند (اولسون، 1377: 451).

امروزه می‌توان گفت که تلویزیون به صورت یک رسانه همه‌جانبه درآمده است که در اختیار اکثر مردم قرار دارد و چون بسیاری مواقع، پخش زنده دارد، نوعی حالت بی‌واسطگی به صفحه نمایش می‌دهد. می‌گویند که همین بی‌واسطه بودن پخش زنده، موجب تمرکز دیداری و احساس مشارکت می‌شود. احساس تعلیق نیز نقش حساسی در این زمینه دارد و نیز تلویزیون به دلیل گنجایش دیداری عظیم که برای ارائه فرایند حرکت و رویداد دارد، اهمیت بسیاری دارد. این رسانه، می‌تواند روش‌ها و ایده‌های مناسب را احیا نموده و به صورت مورد قبول فرهنگ جامعه به آنان ارائه دهد (اولسون، 1377: 452). این قدرت در تلویزیون وجود دارد که با تلفیق نمودن آنچه مورد نظر برنامه‌سازان این رسانه است، در ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه افراد، نفوذ کرده و آنان را تحت تأثیر قرار دهد؛ این تأثیر می‌تواند از جریان‌های محیطی گرفته تا عقاید و باورهای مذهبی و ارزش‌های مسلط در جامعه را تحت نفوذ خود قرار دهد. این رسانه، همان‌گونه که توانایی آموزش یا اطلاع‌رسانی دارد، می‌تواند موجب حساسیت‌زدایی در مورد اصول اخلاقی و یا پایبندی به این اصول را در جامعه فراهم آورد (www.planetpapers.com).

### چارچوب نظری

نخستین بار، مفهوم جامعه مدنی در ادبیات سیاسی روم باستان به کار رفته است. بسیاری از اندیشمندان سیاسی این دوران؛ از جمله سیسرون<sup>۱</sup> عبارت لاتین *societascivilis* را برای توصیف دولت شهری به کار می‌برند که به معنای چارچوبی از قوانین نظم یافته است و در مقایسه با خانواده، به مثابه جامعه طبیعی و در قبال بشریت، به منزله جامعه جهانی به کار می‌رود.

آنچه مسلم است، تمام اندیشمندان سیاسی باور دارند که افلاطون نخستین فیلسوف سیاسی است که در رساله خود تحت عنوان «جمهوریت»<sup>۲</sup>، اولین جامعه مدنی را با نام مدینه فاضله ترسیم کرد که در آن به دنبال ارتقاء سطح ارزش‌های انسانی از جمله عدالت، فضیلت و سعادت

<sup>۱</sup> - cicero

<sup>۲</sup> - Republicanism

بود و به قدرت از منظر اخلاق می‌نگریست.

جامعه‌شناسان کلاسیک در این زمینه، عموماً به سه نکته جدی پرداخته‌اند؛ یکی از آنها مقوله قانون مداری و تأکید بر روابط رسمی بجای روابط غیر رسمی است و بحث اصلی در واقع حذف سلطه نظام خویشاوندی و ساخت روابط قبیله‌ای و جایگزینی قانون با تأمین نیاز جمع بجای نیاز فرد و امیال شخصی است.

از نمایندگان جامعه‌شناسی کلاسیک، نظریات جان لاک قابل توجه است که با تدوین دو رساله به نام «حکومت مدنی»<sup>۱</sup>، طرح حکومت سلطنتی مشروطه را ترسیم نمود و عملاً جامعه مدنی را پایه‌گذاری کرد. او دو واژه اصیل سیاسی؛ یعنی قانون و آزادی را وارد قاموس علوم سیاسی کرد و مشروعیت حکومت را با قید قانون مطرح نمود، توماس هابز<sup>۲</sup> نیز در کتابی به نام «شهروند»<sup>۳</sup>، برای اولین بار جامعه مدنی را در معنای نوین آن ارائه کرد که عمدتاً تعبیر common - wealth را به کار می‌برد که گفته می‌شود همان جامعه مدنی است، اما او قدرت بیشتری به فرمانروا می‌دهد. در جامعه سیاسی و قرارداد اجتماعی هابز، بحثی از آزادی و قانون نیست، بلکه هدف او برقراری امنیت، صلح و رفاه است. روسو<sup>۴</sup> مانند هابز و لاک، جامعه مدنی را در مقابل وضع طبیعی قرار داده است و صراحتاً تعبیر civil society را به کار برده است. او اعتقاد دارد برای رسیدن به جامعه مدنی، افراد یک جامعه، موقتاً از تمام امتیازات خود صرف نظر می‌کنند و اراده خود را تسلیم جمع می‌کنند و اراده فردی تبدیل به اراده جمعی می‌شود (نیمروزی، 1376: 605-606). وبر<sup>۵</sup> جامعه‌شناس آلمانی نیز با تبیین ریشه‌های ظهور سرمایه داری و عوامل مؤثر و تشکیل‌دهنده سرمایه داری در مغرب زمین، چگونگی توسعه‌یافتگی و صنعتی شدن جوامع غربی را تبیین نموده و در این تحلیل، عناصری چون عقلانیت و اقتدار را مورد بحث قرار داده است (ازکیا، 1379: 78). به نظر او دموکراسی به نظام سیاسی گفته می‌شود که در آن مردم در امور حکومتی مشارکت‌کننده هستند و شهروند بودن، به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخابات رهبران به حساب می‌آید (فرند، 1368: 233).

در بین دیدگاه‌های شده، «مکتب انتقادی» جایگاهی خاص دارد؛ عموم متفکران این مکتب - که حدود هفتاد سال، نظریات خود را درباره نقد سرمایه داری و نیز فرهنگ مطرح نموده‌اند - متوجه شدند که علیرغم سلطه صنعت، تکنولوژی و سازمان‌های جدید بر اساس عقلانیت ابزاری

<sup>1</sup> - Civil rule

<sup>2</sup> - Thomas Hobbes

<sup>3</sup> - Citizen

<sup>4</sup> - Rousseau

<sup>5</sup> - Max weber

بر جامعه جدید صنعتی، انسان آنگونه که شایسته است از آزادی برخوردار نیست و تحت تأثیر فضایی قرار گرفته که به وسیله سرمایه، مدیریت می‌شود و انسان‌ها دچار بحران هویت شده و از خود بیگانه شده‌اند، در واقع نقد مکتب فرانکفورت، یکی از زمینه‌های مهم و مؤثر در شکل‌گیری گفتمان جامعه مدنی محسوب می‌شود. یکی از نمایندگان مهم این مکتب یورگن هابرماس<sup>1</sup> است که کنش ارتباطی تفاهمی وی جایگاه بسیار تعیین‌کننده‌ای در بحث جامعه مدنی دارد. هابرماس از واژه «عرصه عمومی»<sup>2</sup> و «حوزه عمومی»<sup>3</sup> برای تعبیر از جامعه مدنی استفاده کرده است؛ قلمرویی از زندگی اجتماعی که در آن چیزی نزدیک به افکار عمومی بتواند شکل بگیرد و در این میان، دسترسی به گفتگو و اخلاق گفتمانی را مطرح می‌کند که نیرویی وحدت‌بخش و وفاق‌ساز است. به نظر او شرط گفتگو، آزاد بودن از عوامل بیرونی و پیش‌فرض‌هاست و معتقد است دسترسی بی‌قید و شرط به این حوزه عمومی باید برای همه شهروندان فراهم باشد (سفیدی، 1386: 57). مارکوزه<sup>4</sup> نیز به‌عنوان یکی از نمایندگان مکتب انتقادی، اعتقاد دارد جامعه مدنی باید همیشه در معرض انتقاد سازنده قرار داشته باشد و دولت مشروع نیز با تساهل، با این انتقادات برخورد کند. به نظر او انسان مدرن تا حد زیادی تابع شرایط اجتماعی می‌گردد و خلاقیت و ذهنیت او محدود می‌شود. تک بُعدی و تک‌ساحتی بودن ناشی از تخصص‌های پیچیده، به نظر او از عوارض این نوع جوامع است (ساروخانی، 1370: 33). برتراند راسل<sup>5</sup> نیز تأکید می‌کند که در هر صورت، جامعه مدنی وقتی ایجاد می‌شود که مردم با تعقل آن را برگزینند و برای دوام آن شعور اجتماعی لازم را داشته و به هر حال، دارای نوعی اخلاق اجتماعی باشند (مجموعه مقالات، 1376: 641).

در این میان دیدگاه پارسونز - جامعه‌شناس امریکایی که سعی نموده بر اساس یافته‌های نظریه پردازان مکتب رفتار گرایان و انسان‌شناسی اجتماعی، نظریات خود را بیان کند - شاید بیشتر با طرح موضوعی با این گفتار نزدیکی دارد؛ چراکه توجه به رفتارها و ذهنیت افراد و میزان تأثیرپذیری آنان از متغیرهای گوناگون اجتماعی در جهت توسعه و نوسازی را مد نظر قرار داده است. او ویژگی‌های موجود در تفکر و رفتار افراد در جوامع در حال توسعه و جوامع صنعتی و ماهیت نقش‌های بین آنها را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و در نهایت ساخت هر جامعه را مشخص می‌کند، به عقیده او افراد در اجتماع سنتی بر اساس ویژگی‌هایشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و کاری به بهره‌آتی نقشی که می‌پذیرند، ندارند، اما در جوامع مدرن، یک عضو،

<sup>1</sup> - Jurgen Habermas

<sup>2</sup> - Public sphere

<sup>3</sup> - Public domain

<sup>4</sup> - Harbert Marcuse

<sup>5</sup> - Bertrand russell

مناسبات اجتماعی را بر مبنای نتایج احتمالی آن در آینده ارزیابی می کند. به عقیده او در جوامع تمایز یافته پیچیده، باید انتظار داشت که روابط رسمی تر و غیر شخصی تر شوند (ازکیا، 1376: 95-96)

### روش تحقیق و یافته‌های تحقیق

#### ابزار اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل آماری

در این تحقیق با استفاده از پرسشنامه و مطرح نمودن 34 سؤال که در ارتباط با ویژگی‌های جامعه نمونه، برنامه‌های انتخابی تلویزیون و شاخصه‌های مطرح برای تحقق جامعه مدنی از دیدگاه دانشجویان و وجود شاخصه‌های مذکور در ذهنیت و تفکر دانشجویان در حد امکان مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفت. برای شاخص‌های فرضیه، جداول یک‌بعدی و برای یافتن همبستگی بین ویژگی‌ها و شاخصه‌ها و توجه و ارتباط آنها با تماشای تلویزیون جداول دو‌بعدی طراحی شد که به صورت توصیفی و استنباطی و از طریق کامپیوتر و نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی‌ها با استفاده از آزمون نسبت و آزمون کی - دو، مورد اندازه‌گیری واقع شد. برخی از سؤالات با توجه به نظر پاسخ‌دهندگان و نحوه سؤال با مشخص نمودن اولویت‌بندی به صورت اولویت اول و دوم مورد نظر قرار گرفت.

#### روش نمونه‌گیری و روش اجرای تحقیق:

روش‌های نمونه‌گیری، معمولاً بر اساس ساختار جامعه آماری تعیین و تعریف می‌گردد. اهداف روش‌های مختلف نمونه‌گیری، تسهیل در جمع‌آوری داده‌ها آزمایش دقت، کاهش در هزینه‌ها، وقت و... می‌باشد.

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق دانشگاه‌های تهران بوده است که با توجه به تفکیک دانشگاه‌ها دولتی و آزاد و تهیه فهرستی از آنها هر دو گروه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در نتیجه، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشکده فنی - مهندسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه علوم پزشکی تهران، پاسخگوی سؤالات این تحقیق بودند. مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این طرح تحقیق، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است که انتخاب (دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، رشته‌ها و دانشجویان) دانشگاه‌ها به‌عنوان خوشه و دانشکده‌ها به‌عنوان زیر خوشه‌ها و تهیه ساده چارچوب اصلی؛ یعنی فهرست دانشگاه‌ها به‌عنوان دو عامل مهم در انتخاب این روش می‌باشد.

نحوه اجرای این نمونه‌گیری دارای سه مرحله است:

در مرحله اول و دوم انتخاب خوشه‌ها با استفاده از روش (SPSS احتمال انتخاب مناسب با حجم خوشه) بوده است و انتخاب اعضاء در داخل خوشه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک (زمان‌های متوالی مراجعه به افراد در دانشکده‌ها) می‌باشد. در این تحقیق 506 نفر به‌عنوان نمونه و برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها انتخاب شدند.

#### مقطع تحصیلی

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
6/2	6/2	5/9	30	فوق دیپلم
89/8	83/6	79/4	402	لیسانس
98/5	8/7	8/3	42	فوق لیسانس
100/0	1/5	1/4	7	دکتری
	100/0	95/1	481	کل
		4/9	25	بدون پاسخ
		100/0	506	مجموع

اکثریت پاسخ‌دهندگان (83/6 درصد) در مقطع تحصیلی لیسانس تحصیل می‌کنند و مقطع تحصیلی دکتری کم‌ترین درصد (1/5 درصد) را به خود اختصاص داده است.

#### جنسیت

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
73/1	73/1	72/5	367	زن
100/0	26/9	26/7	135	مرد
	100/0	99/2	502	کل
		0/8	4	بدون پاسخ
		100/0	506	مجموع

73/1 درصد پاسخ‌دهندگان زن و 26/9 درصد آنها مرد هستند، ضمن اینکه 0/8 درصد جنسیت خود را اعلام نکرده‌اند.

## توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب انگیزه تماشای تلویزیون

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
70/1	70/1	55/7	282	آگاهی و آشنایی
85/1	14/9	11/9	60	آموزنده بودن برنامه‌ها
11/0	14/9	11/9	60	سرگرمی و علاقه
	100/0	79/4	402	کل
		20/6	104	بدون پاسخ
		100/0	506	مجموع

اکثریت پاسخ‌دهندگان (70/1 درصد) افزایش آگاهی و آشنایی‌شان را انگیزه تماشای تلویزیون و 14/9 درصد آموزنده بودن برنامه‌ها و سرگرمی و علاقه را انگیزه تماشای تلویزیون دانسته‌اند.

## توزیع فراوانی نظر دانشجویان برحسب علت عدم تماشای تلویزیون

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
21/0	21/0	8/7	44	نداشتن وقت
40/0	19/0	7/9	40	جالب و جذاب نبودن
73/8	33/8	14/0	71	نداشتن محتوای مناسب
81/4	7/6	3/2	16	نداشتن علاقه
100/0	18/6	7/7	39	استفاده از ماهواره
	100/0	41/5	210	کل
		58/5	296	بدون پاسخ
		100/0	506	مجموع

اکثریت پاسخ‌دهندگان (33/8 درصد)، نداشتن محتوای مناسب را علت عدم تماشای تلویزیون دانسته‌اند. تقریباً به یک اندازه (20 درصد) از پاسخ‌دهندگان، نداشتن وقت، جالب و جذاب نبودن برنامه‌ها و استفاده از ماهواره را 3 دلیل دیگر عدم تماشای تلویزیون بیان کرده‌اند.



توزیع فراوانی نظر پاسخگویان برحسب عامل مهم برای پیشرفت کشور

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
9/2	9/2	8/7	44	تخصص
88/3	79/2	75/1	380	تعهد و تخصص
95/8	7/5	7/1	20	تعهد و آموزش
100/0	4/2	4/0	480	استعداد و توانایی
	100/0	94/9	26	کل
		5/1	506	بدون پاسخ
		100/0		مجموع

اکثریت قریب به اتفاق (79/2 درصد) تعهد و تخصص را عامل بهتر اداره شدن، مورد پیشرفت کشور دانسته‌اند. تخصص به تنهایی و تعهد و آموزش تقریباً 17 درصد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

توزیع فراوانی برحسب موارد شرکت پاسخگویان در زمینه اجتماعی فرهنگی تحت تأثیر تلویزیون

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
15/2	15/2	6/5	33	رعایت امور بهداشتی
36/9	21/7	9/3	47	رعایت حقوق دیگران
53/9	17/1	7/3	37	شرکت در فعالیت عام‌المنفعه
60/8	6/9	3/0	15	توجه به تنظیم خانواده
76/0	15/2	6/5	33	بهبود روابط خانوادگی
90/3	14/3	6/1	21	حضور در نمایشگاه فرهنگی
100/0	9/7	4/2	217	هنری
	100/0	42/9	289	موارد دیگر
		57/1	506	کل
		100/0		بدون پاسخ
				مجموع

اکثریت پاسخ‌دهندگان (تقریباً 22 درصد) رعایت حقوق دیگران را از تأثیرات تلویزیون در شرکت در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. شرکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه، بهبود روابط خانوادگی و رعایت امور بهداشتی و... از اولویت‌های بعدی برخوردارند.

توزیع فراوانی نظر پاسخگویان برحسب اولویت برنامه‌ریزی تلویزیون در جهت توسعه سیاسی - اجتماعی

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
31/4	31/4	26/3	133	اطلاع‌رسانی در حوادث سیاسی اجتماعی
50/5	19/1	16/0	81	تشویق مردم به مشارکت سیاسی اجتماعی
81/8	31/4	26/3	77	آشناساختن مردم با موقعیت فعلی
100/0	18/2	15/2	424	تقویت روح همبستگی و وحدت ملی
	100/0	84/0	81	کل
		16/0	505	بی پاسخ
		100/0		مجموع

اکثریت پاسخ‌دهندگان اطلاع‌رسانی در حوادث سیاسی - اجتماعی همچنین آشناساختن مردم با موقعیت فعلی را مؤثرترین عامل در توسعه سیاسی - اجتماعی دانسته‌اند (31/4 درصد). تشویق مردم به مشارکت سیاسی - اجتماعی و تقویت روح همبستگی و وحدت ملی به ترتیب، در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نوع برنامه‌ها جهت بهبود روند تغییرات اجتماعی

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
36/6	36/6	22/8	115	سریال و فیلم داخلی
42/0	5/4	3/4	17	سریال و فیلم خارجی
57/0	15/0	9/3	21	بحث و گفتگوی آزاد
63/7	6/7	4/2	30	نمایش موقعیت‌های کشورهای غربی
73/2	9/6	5/9	63	میزگرد و استفاده از متخصصان
93/3	20/1	12/5	21	آشنای مردم با سایر فرهنگ‌ها
100/0	6/7	4/2	314	موارد دیگر
	100/0	62/2	191	کل
		37/8	505	بی پاسخ
		100/0		مجموع

اکثریت افراد، سریال‌ها و فیلم‌های داخلی را به‌عنوان بهترین برنامه، جهت ایجاد تغییرات اجتماعی (36/6 درصد) برشمرده‌اند، و متقابلاً اکثریت پاسخ‌دهندگان نقش سریال‌ها و فیلم‌های خارجی را جهت ایجاد تغییرات اجتماعی بسیار کم‌رنگ دانسته‌اند (5/4 درصد).

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب اولویت اول در مطرح‌شدن شاخص‌های جامعه مدنی در تلویزیون

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
41/7	41/7	39/4	199	آزادی‌طلبی
51/2	9/4	8/9	45	عقل‌گرایی
62/9	11/7	11/1	56	قانون‌گرایی
66/0	3/1	3/0	15	اصالت فرد
71/5	5/5	5/1	26	تساهل و تسامح
77/8	6/3	5/9	30	تخصصی‌شدن امور
82/2	4/4	4/2	21	مسئولیت‌پذیری
86/6	4/4	4/2	19	مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری
90/6	4/0	3/8	45	بالا بردن سطح اعتماد اعضای جامعه
100/0	9/4	8/9	477	وجود ضوابط به جای روابط
	100/0	94/5	28	کل
		5/5	505	بی‌پاسخ
		100/0		مجموع

از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، آزادی‌طلبی با 41/7 درصد مؤثرترین عامل جهت مطرح‌شدن شاخص‌های جامعه مدنی در تلویزیون می‌باشد (به‌عنوان اولویت اول) و به‌ترتیب 11/7 درصد قانون‌گرایی و 9/4 درصد عقل‌گرایی را به‌عنوان اولین اولویت خود در این زمینه برشمرده‌اند.

توزیع فراوانی نظر پاسخگویان برحسب برنامه‌های مؤثر تلویزیون در انجام وظایف شهروندی

درصد حجمی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
31/5	31/5	22/7	115	تبلیغات
51/8	20/3	14/6	74	آموزش مستقیم
70/4	18/6	13/4	68	آموزش غیرمستقیم
81/9	11/5	8/3	42	فیلم و سریال داخلی
92/3	10/4	7/5	38	فیلم و سریال خارجی
100/0	7/7	5/5	28	برپایی میزگرد و تقویت انگیزه
	100/0	72/1	365	کل
		27/9	141	بی‌پاسخ
		100/0	506	مجموع

31/5 درصد تبلیغات، 20/3 درصد آموزش مستقیم و 18/6 درصد آموزش غیر مستقیم را سه برنامه مؤثر در انجام وظایف شهروندی اعلام داشته‌اند. فیلم و سریال‌های داخلی و خارجی در اولویت‌های بعدی بوده‌اند.

### فرضیهٔ اول

جدول‌بندی مقطعی ایجاد زمینهٔ پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی به کمک رسانه‌های جمعی و تماشای تلویزیون

مجموع	تماشای تلویزیون		
	خیر	بلی	
70 100/0% 15/1%	15 21/4% 31/9%	55 78/6% 2/13%	خیلی کم و کم، ایجاد زمینهٔ پذیرش افکار، ایجاد زمینهٔ در محدوده % جدید یا تغییرات پذیرش افکار جدید یا فرهنگی اجتماعی به کمک تغییرات فرهنگی به کمک رسانه‌های جمعی رسانه‌های جمعی تماشای تلویزیون در محدوده %
164 100/0% 35/3%	20 12/2% 42/6%	144 87/8% 34/5%	تا حدی ایجاد زمینه در محدوده % پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی به کمک رسانه‌های جمعی تماشای تلویزیون در محدوده %
230 100/0% 49/6%	12 5/2% 25/5%	218 94/8% 52/3%	خیلی زیاد و زیاد ایجاد زمینه در محدوده % پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی به کمک رسانه‌های جمعی تماشای تلویزیون در محدوده %
464 100/0% 100/0%	47 10/1% 100/0%	417 89/9% 100/0%	مجموع ایجاد زمینه در محدوده % پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی به کمک رسانه‌های جمعی تماشای تلویزیون در محدوده %

## آزمون‌های مربع - خی

علامت‌مجانِب (دوطرفه)	Dt	مقدار	
/000	2	16/682 <sup>a</sup>	مربع خی - پیوستن
/000	2	15/704	نسبت احتمالی
/000	1	16/517	ارتباط خط به خط
		464	N نمونه معتبر

صفر خانه (0٪ درصد) رقمی کمتر از 5 پیش‌بینی کرده‌اند. حداقل رقم پیش‌بینی شده 7/09 است.

این جدول نشان می‌دهد که بین تماشای تلویزیون و ایجاد زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی با دو درجه آزادی و 95 درصد اطمینان، رابطه معناداری وجود دارد. جهت این ارتباط به اینگونه است که کسانی که تلویزیون نگاه می‌کنند، تأثیر تلویزیون را در ایجاد زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی زیادتر می‌دانند.

## فرضیه دوم

## آزمون دو جمله‌ای

علامت مجانِب (دودامنه‌ای)	مسئله آزمایشی	مسئله مشاهده شده	تعداد	مقوله	
0/000 <sup>a</sup>	/50	/85 /15 1/00	405 73 478	زیاد و خیلی زیاد کم و خیلی کم	گروه 1 ایجاد زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی به کمک رسانه‌های جمعی مجموع

## برمبنای تقریب Z

از آنجایی که مقدار  $\text{sing} < 0/05$  می‌باشد، پس فرض برابری نسبت پاسخ‌ها رد می‌شود؛ یعنی اکثریت (85 و 0) رسانه‌های جمعی را در زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی زیاد مؤثر می‌دانند.

جدول مقطعی ارتباط بین رشته تحصیلی و تلویزیون به عنوان عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی

مجموع	تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی		
	مخالفم	موافقم	
306 100/0% 70/7%	53 17/3% 76/8%	253 82/7% 69/5%	شمارش علوم انسانی رشته تحصیلی در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی
87 100/0% 20/1%	8 9/2% 11/6%	79 90/8% 21/7%	شمارش فنی مهندسی رشته تحصیلی در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی
12 100/0% 2/8%	1 8/3% 1/4%	11 91/7% 3/0%	شمارش علوم پایه رشته تحصیلی در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی
25 100/0% 5/8%	6 24/0% 8/7%	19 76/0% 5/2%	شمارش پزشکی رشته تحصیلی در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی
3 100/0% 0/7%	1 33/3% 1/4%	2 66/7% 0/5%	شمارش هنر رشته تحصیلی در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی
433 100/0% 100/0%	69 15/9% 100/0%	364 84/1% 100/0%	شمارش مجموع در محدوده رشته تحصیلی % در محدوده تلویزیون عامل محرک برای مشارکت در فرایند تحقیق جامعه مدنی

## فرضیه دوم

جدول‌بندی مقطعی ارتباط بین ایجاد حس نوع‌دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون و تماشای تلویزیون

مجموع	تماشای تلویزیون		
	خیر	بلی	
117 100/0% 28/5%	20 17/1% 50/0%	97 82/9% 26/1%	خیلی کم و کم ، ، ایجاد زمینه در محدوده % پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی به کمک رسانه‌های جمعی رسانه‌های جمعی تماشای تلویزیون در محدوده %
194 100/0% 47/2%	17 8/8% 42/5%	177 91/2% 47/7%	تا حدی ایجاد زمینه در محدوده % نوع‌دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %
100 100/0% 24/3%	3 3/0% 7/5%	97 97/0% 26/1%	خیلی زیاد و زیاد ایجاد زمینه در محدوده % نوع‌دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %
411 100/0% 100/0%	40 9/7% 100/0%	371 90/3% 100/0%	مجموع ایجاد زمینه در محدوده % نوع‌دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %

### آزمون‌های مربع - خی

علامت‌مجاناب (دوطرفه)	Dt	مقدار	
/002	2	12/584 <sup>a</sup>	مربع خی - پیوستن
/001	2	13/135	نسبت احتمالی
/000	1	12/362	ارتباط خط به خط
		411	N نمونه معتبر

فقط در جدول 2×2 محاسبه شده است

0 خانه (0 درصد) رقمی کمتر از 5 را پیش‌بینی کرده است، حداقل رقم پیش‌بینی شده 7/03 است. بین تماشای تلویزیون و ایجاد حس نوع‌دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون،

رابطه معناداری در سطح اطمینان 95٪ وجود دارد (مقدار آماره کای - دو = 12/58). جهت ارتباط به اینگونه است که کسانی که تلویزیون تماشا می‌کنند، نسبت به کسانی که نگاه نمی‌کنند، تلویزیون را در ایجاد حس نوع دوستی و انجام کارهای نیک، مؤثرتر می‌دانند. این داده نیز با توجه به مضمون فرضیه دوم در زمینه مشارکت، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### فرضیه دوم

جدول بندی مقطعی التزام به قانون تحت تأثیر تلویزیون و تماشای تلویزیون

مجموع	تماشای تلویزیون		
	خیر	بلی	
118 100/0% 28/6%	20 16/9% 47/6%	98 83/1% 26/5%	خیلی کم و کم ایجاد حس نوع دوستی در محدوده % نوع دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %
206 100/0% 50/0%	19 9/2% 45/2%	187 90/8% 50/5%	تا حدی ایجاد حس نوع دوستی در محدوده % نوع دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %
88 100/0% 21/4%	3 3/4% 7/1%	85 96/6% 23/0%	خیلی زیاد و زیاد ایجاد حس نوع دوستی در محدوده % نوع دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %
412 100/0% 100/0%	42 10/2% 100/0%	370 89/8% 100/0%	مجموع ایجاد حس نوع دوستی در محدوده % نوع دوستی و انجام کارهای نیک تحت تأثیر تلویزیون تماشای تلویزیون در محدوده %

### آزمون‌های مربع - خی

علامت مجانب (دوطرفه)	Dt	مقدار	
/005	2	10/519 <sup>a</sup>	مربع خی - پیوستن
/004	2	11/038	نسبت احتمالی
/001	1	10/392	ارتباط خط به خط
		412	N نمونه معتبر



5 خانه (0٪ درصد) رقمی کمتر از 5 پیش‌بینی کرده‌اند. حداقل رقم پیش‌بینی شده 8/97 است.

بین تماشای تلویزیون و التزام به قانون، تحت تأثیر تلویزیون، رابطه معناداری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد (مقدار آماره کای - دو = 10/51). جهت این ارتباط به اینگونه است که کسانی که تلویزیون نگاه می‌کنند، به نسبت بیشتری به تأثیر تلویزیون در التزام به قانون پاسخ مثبت داده‌اند.

### فرضیه سوم

جدول بندی مقطعی رشته تحصیلی، التزام به قانون تحت تأثیر تلویزیون

مجموع	التزام به قانون تحت تأثیر تلویزیون			
	خیلی کم و کم	تأیدی	خیلی زیاد و زیاد	
386 100/0٪ 69/2٪	77 26/9٪ 64/7٪	145 50/7٪ 70/4٪	64 22/4٪ 72/7٪	شمارش علوم انسانی رشته تحصیلی مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون
84 100/0٪ 20/3٪	31 36/9٪ 26/1٪	40 47/6٪ 19/4٪	13 15/5٪ 14/8٪	شمارش فنی مهندسی مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون
14 100/0٪ 6/3٪	2 14/3٪ 1/7٪	8 57/1٪ 3/9٪	4 28/6٪ 4/5٪	شمارش علوم پایه مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون
26 100/0٪ 6/3٪	8 30/8٪ 6/7٪	12 46/2٪ 5/8٪	6 23/1٪ 6/8٪	شمارش پزشکی مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون
3 100/0٪ /7٪	1 33/3٪ /8٪	1 33/3٪ 0/5٪	1 33/3٪ 1/1٪	شمارش هنر مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون
413 100/0٪ 100/0٪	119 28/8٪ 100/0٪	206 49/9٪ 100/0٪	88 21/3٪ 100/0٪	شمارش مجموع مقطع تحصیلی در محدوده ٪ التزام به قانون در محدوده ٪ تحت تأثیر تلویزیون

بین مقطع تحصیلی و ایجاد زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی - اجتماعی به کمک رسانه‌های جمعی (خصوصاً تلویزیون) رابطه معناداری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. در مقطع فوق دیپلم اکثریت 70/5 درصد در مقطع لیسانس 46/5 درصد، در مقطع فوق

لیسانس 65 درصد، در مقطع دکتری 85/5 درصد ایجاد زمینه پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی - اجتماعی به کمک رسانه‌های گروهی خصوصاً تلویزیون را زیاد و یا خیلی زیاد می‌دانند.

آزمون‌های مربع - خی

علامت‌مجانپ (دوطرفه)	Dt	مقدار	
/654	8	5/937 <sup>a</sup>	مربع خی - پیوستن
/634	8	6/115	نسبت احتمالی
/703	1	/146	ارتباط خط به خط
		413	N نمونه معتبر

5 خانه (33/3 درصد) رقمی کمتر از 1/5 پیش‌بینی کرده‌اند. حداقل رقم پیش‌بینی شده 0/64 است.

### نتیجه‌گیری

در این طرح پژوهش، فرضیه‌هایی مبتنی بر موارد زیر طرح گردید: تأکید بر نقش تلویزیون در جهت برنامه‌ریزی و جهت‌دهی صحیح برای ایجاد ذهنیت و لزوم تحقق جامعه مدنی، معنادار ارتباط بین میزان تماشای تلویزیون و توجه بینندگان جهت مشارکت در فرآیند تحقق جامعه مدنی و نیز معنادار بودن میزان ارتباط بین تحصیلات دانشگاهی و آمادگی بینندگان برای پذیرش تفکر جدید در جامعه، که در نهایت فرضیه‌های یاد شده، مورد تأیید قرار گرفتند. ویژگی‌هایی که برای آمادگی پذیرش تفکرات جدید و آشنایی با مفاهیم توسعه و تغییرات در مخاطبان مورد نظر قرار گرفت، از طریق عواملی چون میزان مطالعه، نوع محیط کار، معاشرت، عوامل خانوادگی، میزان توجه به وسایل ارتباط جمعی و بسیاری از عوامل روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه دیگر می‌توانند دامنه تغییر داشته باشند، اما نتایج بررسی تحلیل‌ها به‌طور بسیار مختصر نشان می‌دهند که:

- 1- اکثریت پاسخگویان (82/3) اعتقاد دارند که رسانه‌ها خصوصاً تلویزیون باید آینه‌ای از جامعه، فرهنگ و هویت ملی کشورشان باشد.
- 2- اکثریت پاسخگویان (79/12) تعهد و تخصص را عامل بسیار مهمی برای اداره کشور و پیشرفت آن می‌دانند.
- 3- اکثریت پاسخگویان (بیش از 65 درصد) اعتقاد به رعایت قانون حتی در صورت فقدان کنترل آن دارند.

- 4- اکثریت پاسخگویان توصیه‌بازی و پارتی‌بازی را به‌عنوان اولین اولویت، و کمبود روحیه کار دسته‌جمعی را به‌عنوان دومین مورد برای تنگناهای فرهنگی و مانع پیشرفت دانسته‌اند.
  - 5- تحقیقات نشان می‌دهد که هرچه سطح تحصیلات دانشجویان بالاتر باشد، میزان آمادگی تغییرات فرهنگی و مشارکت آنان در امور اجتماعی - فرهنگی و سیاسی بیشتر بوده و رعایت روحیه شهروندی در آنان بیشتر به چشم می‌خورد.
  - 6- 85 درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که پذیرش افکار جدید یا تغییرات فرهنگی اجتماعی به کمک رسانه‌ها امکان‌پذیر است. رشته تحصیلی در عقیده فوق تأثیری نداشته است.
  - 7- اکثریت پاسخگویان (82/3٪) اعتقاد دارند که رسانه‌ها خصوصاً تلویزیون باید آینه‌ای از جامعه و فرهنگ موجود باشد.
  - 8- اکثریت افراد (66٪) اعتقاد دارند که حاضرند وقت بیشتری را برای بهبود امور شغلی و مسئولیت خویش بدون چشمداشت خاص مادی صرف کنند.
  - 9- اکثریت افراد (67٪)، نقش کارگزاران دولت را در قبال باورهای مذهبی مردم، تساهل و مدارا در دین می‌دانند.
  - 10- بین قبول تلویزیون به‌عنوان عامل محرک مشارکت برای تحقق جامعه مدنی و رشته تحصیلی، رابطه معناداری وجود دارد.
- موارد یاد شده، از موارد بسیار شاخصی بودند که با عنایت به محدودیت گفتار، فقط به آنها اشاره نمودیم. در اینجا با در نظر گرفتن فرهنگ‌سازی رسانه‌ها و نقش هدایت‌کننده آنها در امکان برقراری و ایجاد شرایط و زمینه‌های جامعه مدنی، تقویت هویت ملی و ایجاد انگیزش در امر مشارکت برای توسعه ملی و در آحاد جامعه (به‌ویژه جوانان)، اهمیت مطرح‌نمودن مباحث فوق، آشکارتر از گذشته به نظر می‌رسد.

#### راهکارها و پیشنهادات:

بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که بالا رفتن سطح آگاهی، نیاز به موفقیت را در افراد افزایش می‌دهد، اگر در افراد جامعه، احساس نیاز برای موفقیت و پیشرفت بیشتر شود، بدون شک، ویژگی‌های روانی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و از توانایی‌های خود به بهترین وجهی بهره خواهند برد. فراگیر شدن چنین رفتاری در میان اقشار مختلف، در توسعه جامعه در ابعاد گوناگون مؤثر خواهد افتاد.

با توجه به طرح تحقیقی که انجام گرفت و نتایجی که به‌دست آمد، دانشجویان به‌عنوان یک نمونه از قشر تحصیلکرده، تا حد زیادی با زمینه‌ها و مفاهیم و ویژگی‌های جامعه مدنی آشنا بوده یا بدان عمل می‌کردند، اما در این میان، نقش تلویزیون برای تقویت این نگرش و رفتارها

در دانشجویان و در بقیه اقشار ملت - که اکثریت قریب به اتفاق جامعه را تشکیل می‌دهند- چیست؟

1- آنچه مسلم است رسانه‌ها (به‌خصوص صدا و سیما) باید تهیه و تدوین طرح‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت را برای برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء کیفی برنامه‌ها در جهت آشناسازی مردم با مفاهیم، مقتضیات و لازمه‌های جامعه مدنی، در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.

2- همان‌گونه که گفته شد و نتایجی که از تحقیقات به‌دست آمد، به‌کار گرفتن مردم در مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی و آگاه‌نمودن آنان برای پیشرفت‌های لازم در این مسیر، ضروری به‌نظر می‌رسد.

3- توجه به کودکان و نوجوانان و فرهنگ‌سازی برای ایجاد افکار و باورهای توسعه و لزوم پیشرفت‌های مدنی، با توجه به جوان‌بودن جامعه ما، باید در رأس برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفته و بودجه و توان مناسبی به این مهم اختصاص یابد. این امر می‌تواند غیر از رسانه‌ها در دوران پیش‌دستانی و پس از آن که در مدارس با برنامه‌های صحیح از جانب نهادهای دولتی صورت گیرد و البته رسانه‌ها می‌توانند در این همکاری بسیار مؤثر واقع شوند.

4- یکی از مواردی که می‌تواند برای ایجاد و نهادینه‌سازی باورهای پیشرفت و توسعه و به باورنشاندن شاخصه‌های توسعه در تفکر مردم مؤثر باشد، ایجاد شبکه‌های خصوصی تلویزیونی است. شبکه‌های خصوصی می‌توانند با نظارت دولت به فعالیت بپردازند، اما با ایجاد و تنوع و تکثر و ساخت برنامه‌های مؤثر و متنوع، زمینه‌سازی‌های لازم را برای رشد و ارتقاء افکار عمومی در ابعاد گوناگون فراهم آورند.

5- شناخت دقیق آداب و رسوم و روحیه‌های مردم کشورمان و ساخت برنامه‌های مناسب با حال و هوای آنان، برای ایجاد تغییر لازم است و انگیزه‌های لازم جهت پیشرفت‌های مدنی ضروری به‌نظر می‌رسد، این مهم با همکاری مردم، مسئولان رسانه‌ها و مسئولان فرهنگی کشور و هماهنگی و برنامه‌ریزی و اشتراک آنان امکان‌پذیر است.

6- رسانه‌ها به‌طور اعم و تلویزیون به‌طور اخص، باید خطرات پنهان مقاومت‌های افکار و روش‌های قالبی را بشناسد و با مشاوره و استفاده از تخصص، برنامه‌ریزان، روان‌شناسان اجتماعی و متخصصان ارتباطات و رسانه‌ها، روش‌های مؤثری را جهت ایجاد و پرورش نوآوری، ابتکار و قابلیت انعطاف‌پذیری در مخاطبان به‌وجود آورند. در نتیجه ارتباطات مناسب می‌تواند، زمینه خلاق شرایط آزادی را در ابعاد گوناگون فراهم آورد.

7- مورد دیگر، درک مردم از اعتبار رسانه‌هاست، یک رسانه، نباید با این باور که هر چه می‌گوید یا منتشر می‌کند، مردم کاملاً باور خواهند نمود، عمل نماید. بنابراین ایجاد زمینه‌های مشروعیت و اعتبار برای یک رسانه، بسیار مهم و ضروری است.

8- یکی از مسائل بسیار مهم در حال حاضر نه فقط برای کشور ما، بلکه در اکثر کشورهای در حال توسعه، وجود ماهواره‌هاست، با توجه به وجود غیر قابل انکار و استفاده قابل توجه اقشار گوناگون مردم از این رسانه، رقابت فشرده و مهمی برای بقیه رسانه‌ها و خصوصاً تلویزیون وجود دارد. در واقع، مسئولان تلویزیون و سایر نهادها با جدی تلقی نمودن این واقعیت، باید در جهت شناخت تمام شبکه‌های تلویزیونی مورد توجه مردم از طریق ماهواره اقدام نموده و با برنامه‌ریزی‌های صحیح، نوع و میزان برنامه‌های پخش شده و قابل توجه را شناسایی نموده و در جهت ساخت و تهیه برنامه‌های مهم‌تر، پرمحتواتر، پربیننده‌تر، و جلب نمودن توجه مخاطبان داخل کشور به سمت و سوی برنامه‌های وطنی با کیفیت بهتر و کمیت قابل توجه، اقدام نماید.

## منابع

- ازکیا، مصطفی، (1379)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ دوم، تهران: نشر کلمه.
- اعتدال، (1381)، «نقش تلویزیون در شناخت جامعه مدنی»، نشریه هفتگی سروش، سال بیست و چهارم،
- اولسون، دیوید، (1377)، رسانه‌ها و نمادها، ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران، نشر سروش
- اینگلیس، فرد، (1377)، نظریه رسانه‌ها، ترجمه: محمود حقیقت کاشانی، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
- سارو خانی، باقر، (1370)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- سفیدی، هوشمند، (1368)، راهبردهای علمی روابط عمومی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- علوی، پرویز، (1375)، ارتباطات سیاسی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- فرند، ژولین، (1368)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر، چاپ دوم، تهران: نشر رایزن.
- کاظمی، سیدعلی اصغر، (1376)، تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی.
- لوینا س، اما نوئل، (1380)، «گفتگو طرح گفتمان دیگری»، ترجمه: محمدرضا ارشاد، روزنامه همشهری، سال نهم، شماره 2550
- نبوی، سیدعباس، (1376)، تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- نوذری، حسینعلی، (1379)، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران: انتشارات نقش جهان.
- نیمروزی، رسول، (1376)، «تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران»، (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- www.planetpapers.com/massmedia

## قانون گذاری در عرصه دیجیتال و برنامه توسعه پایدار (با تأکید بر «جمهوری دیجیتال»)

رؤیا معتمدنژاد<sup>1</sup>

تاریخ دریافت: 95/12/18، تاریخ تایید: 96/08/04

### چکیده

جامعه بین‌المللی برنامه عمل جدید در حوزه توسعه پایدار تدارک دیده است. همزمان در سال‌های اخیر، تکنولوژی یا فن‌آوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌اند، اما تکنولوژی به تنهایی کفایت نمی‌کند و در این زمینه، نیاز به فضای مطلوب و از جمله سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مناسب است. در این حوزه، قانون‌گذاری‌های جدیدی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفته است. حال سؤال، این است که آیا چارچوب‌های حقوقی، قادرند تکنولوژی‌های نوین را در خدمت توسعه در بیاورند؟ در این تحقیق تلاش شده با بررسی تطبیقی به این سؤال پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: فن‌آوری‌های نوین، توسعه پایدار، حقوق دیجیتال، قانون‌گذاری در عرصه دیجیتال، جمهوری دیجیتال

---

<sup>1</sup> - عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی ro\_motamed@hotmail.com

## مقدمه

در 7 اکتبر سال 2016، فرانسه قانون جدیدی تحت عنوان «جمهوری دیجیتال» به تصویب رساند و به این ترتیب، جمهوری در این کشور مطابق با پیشرفت‌های تکنولوژیک در قرن بیست و یکم در عرصه ارتباطات و اطلاعات، وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد.

بررسی تجربه قانون‌گذاری یاد شده از زوایای مختلف بسیار آموزنده است. گرچه نمی‌توان این تحقیق را فارغ از پدیده جهانی شدن و افزایش درهم‌تنیدگی میان کشورها به انجام رساند. شکی نیست که امروزه سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر ارزش‌ها و دکترین‌های حاکم در فضای جهانی و با توجه به خط مشی‌های در نظر گرفته شده در آن، تدارک دیده می‌شوند؛ از جمله ارزش‌هایی نظیر دموکراسی، قانونمندی، حقوق بشر، آزادی رقابت، بازار آزاد، حکومت مطلوب، شفافیت دولت‌ها و ضرورت پاسخگو بودن آنها، مبارزه با فساد و دولت باز را می‌توان نام برد.

یکی از اهداف بسیار مهمی که جامعه بین‌المللی تلاش می‌کند تا سال 2030 به آن دست یابد، برنامه توسعه پایدار است. تدارک استراتژی و حقوق برای تکنولوژی‌های نوین نیز نمی‌تواند بدون توجه به ارزش‌ها و سیاست‌های جهانی انجام پذیرد.

بازگو کردن تجربه فرانسه، تنها بهانه‌ای است برای اینکه نشان داده شود چگونه یک کشور قانونمند، دموکراتیک و مدافع حقوق بشر، می‌تواند از طریق سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، چارچوب‌هایی برای تکنولوژی دیجیتال و به‌طور خاص اینترنت، در نظر بگیرد که مسیر را برای تحقق «دولت باز» و فراتر از آن توسعه پایدار هموار سازد. جمهوری دیجیتال مصداق دیگری از دغدغه حقوق جهانی ارتباطات برای فرد بشری است (معتدنزاد، 1395).

تحقیق حاضر، دارای سه بخش است: بخش اول به تکنولوژی‌های دیجیتال در خدمت توسعه، اختصاص یافته؛ بخش دوم به حقوق دیجیتال همسو با توسعه پایدار؛ از بررسی تا ارزیابی پرداخته؛ و بخش سوم، «جمهوری دیجیتال»، نمونه‌ای از قانون‌گذاری در عرصه دیجیتال را مورد بررسی قرار داده است.

## تکنولوژی‌های دیجیتال در خدمت توسعه پایدار

با توجه به اینکه تکنولوژی‌های دیجیتال دارای توانایی زیادی هستند و قادرند در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کنند، حائز اهمیت است که شرایط و فضای مناسب در این راستا فراهم باشد، که از جمله تدوین قوانین خوب می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. بخش اول شامل سه گفتار است: برنامه توسعه پایدار؛ «منشوری برای بشریت و کره زمین در قرن 21»؛ تقویت



جامعه اطلاعاتی همه‌گیر در جهت پیشبرد اهداف توسعه پایدار؛ و ضرورت ایجاد شرایط و فضای مناسب. گفتار یکم (برنامه توسعه پایدار: «منشوری برای بشریت و کره زمین در قرن 21»، دارای دو بند است: در بند یکم (از اهداف هزاره برای توسعه تا اهداف توسعه پایدار: «آینده پیش روی بهتر برای همگان»); و در بند دوم، از بیم و امیدها یاد می‌شود.

در بند یکم یادآوری می‌شود که در سپتامبر سال 2000، به مناسبت هزاره جدید اجلاس جهانی سران دنیا در مقر سازمان ملل برپا شد و طی آن قطعنامه‌ای (قطعنامه A/55/L.2) توسط مجمع عمومی به تصویب رسید که اعلامیه‌ای معروف به «اعلامیه هزاره یا اهداف هزاره» برای توسعه برای مدت‌زمان سال‌های 2000 تا 2015 را در برداشت (معمدنژاد، 1382: 68).

با به پایان رسیدن موعد 2015 و هم‌زمان با بزرگداشت 70 سالگی تأسیس سازمان ملل متحد، از 25 تا 27 سپتامبر 2015، به دنبال اجلاس جهانی سران، مجمع عمومی، قطعنامه‌ای تحت عنوان «دگرگون ساختن جهان معاصر: برنامه توسعه پایدار در چشم‌انداز 2030» (قطعنامه 1/70) که شامل اهداف جهانی جدیدی معروف به اهداف توسعه پایدار است، به تصویب رساند. این که «بیلان» اهداف هزاره چه بوده و آیا قسمت پُر لیوان و یا قسمت خالی آن را باید دید، بحث مفصلی است (VERGER, 2015: 20) که در این تحقیق مجالی برای پرداختن به آن نیست. در مورد برنامه عمل جدید که 193 کشور آن را به امضا رساندند، گفته می‌شود در تداوم اهداف قبلی بوده با این تفاوت که از ضعف‌های به‌جا مانده، عبرت گرفته شده و حال فراتر از آنها باید پیش رفت. متن یادشده، دارای یک پیش‌گفتار، یک اعلامیه، 17 هدف بلندمدت، 169 هدف کوتاه‌مدت و یک بخش مربوط به پیگیری‌های لازم است.

اهداف جدید بُعد جهانشمول داشته است و از این پس شامل همه کشورهای (چه توسعه‌یافته چه در حال توسعه)، می‌شود. همچنین، غیرقابل تفکیک بوده و سعی بر ایجاد همزیستی میان سه بُعد توسعه پایدار- اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی- دارد. ریشه‌کنی فقر، گرسنگی و بیماری‌ها، دسترسی همگان به آموزش، بهداشت سلامت و تأمین اجتماعی، آب شرب، تغذیه کافی، ایجاد شرایط برای تحقق حقوق بشر، کرامت انسانی، قانونمندی، عدالت، برابری و عدم تبعیض، برابری زن و مرد، انصاف، تسامح، توسعه اقتصادی همه‌گیر و پایدار؛ به‌نوعی که کار آبرومند برای همگان ایجاد شود و هیچ فردی نیازمند و محروم باقی نماند، توجه به محیط زیست از جمله «پروژه‌هایی» به‌شمار می‌روند که بنا شده تا سال 2030 عملی شوند.

گرچه بدون صلح و بدون امنیت، توسعه پایدار نمی‌تواند شکل بگیرد و برعکس این موضوع نیز صادق است. همچنین، بر ضرورت برقرارکردن جوامع صلح‌آمیز، عادلانه، همه‌گیر؛ جایی که دموکراسی، حکومت مطلوب، حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگو بودن نهادها، حاکم بوده با

نابرابری‌ها و فساد مبارزه می‌شود، اصرار بسیاری است. در ضمن، تنوع فرهنگی، احترام متقابل به فرهنگ‌ها، اخلاق شهروندی جهانی نیز در این میان مورد توجه بوده است.

در بحث بیم‌ها و امیدها این نگرانی مطرح می‌شود که آیا ممکن است اهداف جدید به سرنوشت اهداف هزاره، مبتلا شوند. به نظر می‌رسد جامعه جهانی به اهمیت موضوع پی برده باشد و مصمم است این بار مسیر جدید توسعه پایدار را به سلامت طی کند. به علاوه، جامعه مدنی منفعل نخواهد ماند و پیگیر موضوع خواهد بود (VERGER, 2015: 29).

در مسیر یادشده، موانع متعددی قرار گرفته‌اند؛ از جمله فقر و نابرابری‌ها، تبعیض‌ها، بی‌کاری، تغییرات اقلیمی و خشکسالی، تخریب محیط زیست، جنگ‌ها و اختلافات، مهاجرت‌های دسته‌جمعی و تروریسم (برنامه توسعه پایدار، سازمان ملل، ص 5).

در مقابل، روزنه‌های امید به چشم می‌خورند. در مجموع، فقر کاهش داشته و دسترسی به آموزش برای پسران و دختران بهبود پیدا کرده است. از طرف دیگر، «توسعه تکنولوژی‌های نوین و درهم‌تنیدگی جهانی فعالیت‌ها، این توانایی را دارند تا پیشرفت بشریت را سرعت بخشند، شکاف دیجیتال را کاهش دهند و موجبات شکل‌گیری جوامع معرفتی را فراهم آورند» (همان: 6).

در گفتار دوم، تقویت جامعه اطلاعاتی همه‌گیر در جهت پیشبرد اهداف توسعه پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند یکم این گفتار، نتایج اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی در پرتو زمان: پیشرفت‌ها و کاستی‌ها؛ و بند دوم به ضرورت تضمین هر چه بیشتر ارتباط میان تکنولوژی‌ها و توسعه پایدار توجه می‌شود.

در بند اول، اشاره می‌شود که اولین بار طی اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی که به ترتیب در سال‌های 2003 در ژنو و 2005 در تونس برگزار شد، بر رابطه تنگاتنگ میان تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات از یک سو و توسعه، از سوی دیگر تأکید شد (معمتمنژاد، 1382: 73). به دنبال آن کشورها متعهد شدند تکنولوژی‌ها را در جهت رسیدن به اهداف هزاره، برای توسعه به کار گیرند (مصوبات ژنو - اعلامیه اصول و برنامه عمل - و مصوبات تونس). متعاقب این کنفرانس دو مرحله‌ای، هر ساله تحولات انجام گرفته در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند (www.wsis.org). در سال 2013، به مناسبت دهمین سالگرد اجلاس، یک ارزیابی کامل از نتایج به دست آمده، صورت گرفت (اعلامیه wsis+10).

پیشرفت‌های قابل ملاحظه به عمل آمده از آن تاریخ، بر شمرده شدند. با این وجود، اضافه شد که چالش‌های متعدد، کماکان به قوت خود باقی هستند. اهدافی همچون کاهش شکاف دیجیتال،

ایجاد جامعه اطلاعاتی انسان‌محور، همه‌گیر، باز و توسعه‌مدار که هر انسانی بتواند در آن اطلاعات و دانش را مورد استفاده قرار دهد و یا به اشتراک بگذارد، همچنان محقق نشده‌اند. در بند دوم گفتار دوم این بخش، بر ضرورت تضمین هر چه بیشتر ارتباط میان تکنولوژی‌ها و توسعه پایدار تأکید می‌شود.

سال‌ها از برپایی اجلاس جهانی یادشده می‌گذرد و به موازات در عرصه تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پیشرفت‌های شگرفی رخ داده است؛ شبکه‌های پهنای باند، تکنولوژی‌های موبیل و شبکه‌های اجتماعی فن‌آوری‌های تلفن همراه امکانات را برای ارتقاء توسعه پایدار و همه‌گیر، صدچندان کرده‌اند. اینها قدرت عجیب تحول و دگرگونی را دارا بوده، به‌عنوان اهرم‌های توسعه اجتماعی اقتصادی شناخته شده‌اند.

در فن‌آوری‌های همراه هر چه شکاف دیجیتال کمتر شود، دسترسی افراد (از جمله افراد آسیب‌پذیر) به تکنولوژی‌ها، به خدمات پهنای باند و خدمات بیشتر شود و آموزش‌های لازم در این خصوص ارائه گردد، بهتر می‌توان به اهداف توسعه پایدار دست پیدا کرد (علامیه + wsis 10).

برنامه توسعه پایدار و اهداف آن مصوب 2015 که قبلاً به آن اشاره شد، آن‌طوری که توقع بود به نقش تکنولوژی‌ها در رسیدن به توسعه نیرداخته است. در حالی که اعلامیه هزاره که اهداف هزاره برای توسعه را دربرداشت، در بخش 3 (بند آخر)، به این موضوع اختصاص یافته بود. در مقابل، در فضاهای دیگری که اکثر از نهادهای سازمان ملل به‌شمار می‌روند، به‌شدت بر نقش تکنولوژی‌های نوین در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار تأکید می‌شود؛ توسعه پایداری که از آن به‌عنوان «سرمشق جدید سازمان ملل» یاد می‌شود (VERGER, 2015: 25).

یونسکو، با انجام‌دادن فعالیت‌های متعدد در این زمینه، از جمله با ارائه گزارشی تحت عنوان «تجدید نظر در دیدگاه مربوط به جوامع معرفتی برای صلح و توسعه پایدار» (Mansell (R.), Tremblay (G.), 2013)، دیدگاه قبلی‌اش را در مورد تکنولوژی‌های نوین، به اهداف توسعه پایدار نزدیک‌تر می‌کند. اتحادیه ارتباطات دور (www.itu.org)، موضوع توسعه را محور کارهای خود قرار داده است. کمیسیون پهنای باند برای توسعه - که زیر نظر یونسکو و اتحادیه یادشده فعالیت می‌کند- همان طور که از عنوانش مشخص است، در تلاش است شرایطی فراهم آورد تا پهنای باند در دسترس همگان قرار گیرد و موجبات ارتقاء کیفیت زندگی افراد به‌وجود آید (www.Broadbandcommission.org). گروه سازمان ملل در مورد جامعه اطلاعاتی<sup>1</sup> در سال 2013 اعلامیه مشترکی در مورد جامعه اطلاعاتی با توجه به برنامه توسعه پایدار بعد از

<sup>1</sup> - United Nations Group of the Information Society

2015 ارائه می‌دهد. همچنین، مجمع عمومی سازمان ملل تا به حال چندین قطعنامه در مورد «تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات در خدمت توسعه» تصویب کرده است، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی بیان نیز به دفعات طی گزارش‌های خود اهداف توسعه را مورد نظر داشته است (قطعنامه 70/184 در 22 دسامبر 2015).

در مورد توان زیاد تکنولوژی‌های دیجیتال به‌عنوان «محرک» و «عینیت‌بخش» توسعه و اینکه قادر به پاسخگویی به چالش‌های قرن 21 هستند (اعلامیه مشترک گروه سازمان ملل در مورد جامعه اطلاعاتی در زمینه برنامه توسعه پایدار برای بعد از 2015، ژنو ماه مه 2013)، یک توافق نظر جهانی وجود دارد و از همین رو، تأکید بسیار می‌شود که میان دو برنامه سازمان ملل از یکسو پیگیری نتایج اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی و از سوی دیگر، برنامه توسعه پایدار، تعامل بیشتر و ارتباط تنگاتنگ انجام بپذیرد.<sup>1</sup> به‌طوری که برنامه‌ریزی‌ها در زمینه تکنولوژی‌ها و توسعه با یکدیگر همسو، هماهنگ و منسجم باشند و جامعه اطلاعاتی همه‌گیر توسعه انسانی حقوق‌مدار را به‌دنبال بیاورد.

تکنولوژی‌های نوین روزه‌های جدیدی را برای حل مسائل توسعه (به‌خصوص در عصر جهانی‌شدن) گشوده‌اند، موجبات رشد اقتصادی، دربرگیری همه اعضای جامعه، حفظ محیط زیست، ریشه‌کنی فقر، اداره بلایای طبیعی، تقویت حقوق بشر، مبارزه با فساد، تولید کار، ارائه خدمات عمومی با کیفیت، مستقل‌سازی زنان، دسترسی به دانش و آموزش و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان را فراهم آورده‌اند.

گفتار سوم بر ضرورت ایجاد شرایط و فضای مناسب تکیه دارد. در این گفتار، یادآور می‌شود که برای تحقق اهداف توسعه پایدار، وجود تکنولوژی به‌تنهایی کافی نیست و فراهم بودن شرایط مناسب در این زمینه، ضروری است. در این میان، نقش سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اهمیت بسزایی دارد. در این قسمت، توصیه می‌شود که چارچوب‌های در نظر گرفته شده معتبر، قابل پیش‌بینی، شفاف، بدون تبعیض، مشوق رقابت، نوآوری، رشد و توسعه بوده، با مشورت با آحاد جامعه تدوین شوند. جامعه اطلاعاتی را مورد توجه قرار دهند که انسان‌محور و همه‌شمول باشد، همگان از افراد محروم و آسیب‌پذیر، تا افراد بومی و زنان بتوانند به‌صورت برابر با دیگر اقشار جامعه از مزایای تکنولوژی‌ها از جمله فن‌آوری همراه و پهنای باند برخوردار و در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی توانمند، موفق شوند سرنوشت خود را در دست بگیرند و مستقل شوند (اعلامیه نهایی 10 + Wsis، 2013).

«دنیای دیجیتال» مبتنی بر دموکراسی، حقوق بشر و قانونمندی (راهبرد شورای اروپا برای

<sup>1</sup> - ده سال بعد از اجلاس جهانی اعلامیه Wsis+10، 2013 و همچنین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل 22 دسامبر 2015 در مورد «تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات در خدمت توسعه» و غیره ...

سال‌های 2016-2019، 30 مارس 2016)، توأم با اعتماد و امنیت، در عین حالی که به حمایت از حقوق کاربران می‌پردازد، بخش خصوصی را به فعالیت و سرمایه‌گذاری و نوآوری ترغیب می‌کند.

### همسویی حقوق دیجیتال با توسعه پایدار

بخش دوم با عنوان، حقوق دیجیتال هم‌سو با توسعه پایدار، به بررسی و ارزیابی اختصاص دارد. تجربه نشان داده است که در زمینه تکنولوژی‌های نوظهور، مقررات‌گذاری‌های لازم با تأخیر انجام می‌پذیرند. در مورد تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و به‌طور خاص اینترنت نیز این موضوع به‌وضوح به‌چشم می‌خورد. در حالی که در ابتدا تردید و سردرگمی وجود داشت، در سال‌های اخیر، روند نظم و ترتیب‌دادن به فضای اینترنتی سرعت گرفته و تلاش و ممارست در این زمینه، جالب توجه است.

بخش دوم، در سه گفتار؛ حقوق دیجیتال، فضای نوین، و حقوق دیجیتال در راستای اهداف توسعه پایدار را بررسی می‌کند. حال باید دید که قانونگذاری‌ها تا چه حد با اهداف برنامه توسعه پایدار مطابق و هماهنگ هستند.

در گفتار یکم، حقوق دیجیتال به‌عنوان کارگاه عظیم چارچوب‌گذاری معرفی می‌شود. بر این اساس، اینترنت فضایی است فرامرزی که موجبات انفجار داده‌ها را فراهم آورده، پدیده همگرایی را به‌دنبال دارد. راهبری آن توسط دست‌اندرکاران متعددی انجام می‌پذیرد، بازیگران جدیدی به‌خصوص از بخش خصوصی، قد علم کرده و در آن ایفای نقش می‌کنند. گفته می‌شود که این فضا دوگانه است؛ از یک‌سو آثار مثبت و از سوی دیگر، آثار منفی در پی دارد (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، «دیجیتال و حقوق بنیادی»، 2014). به‌عنوان موتور اقتصاد و در نهایت موتور توسعه پایدار از آن یاد می‌شود (آیین‌نامه نوامبر 2015 مصوب اتحادیه اروپا در مورد «اینترنت باز»).

ضرورت ایجاد قانونمندی در آن، دیگر محل تردید نیست، اما بدون مرز بودن آن و نیز تنوع و تعدد منافع گاه متضاد مطرح در این فضای به‌ظاهر بی‌در و پیکر، تدارک حقوق اینترنت را سخت و پیچیده کرده است. قبلاً گفته شده است که حقوق اینترنت خصوصیات حقوق جهانی را دارد و حقوقی تلفیقی و مرکب از هنجارهای سخت و نرم است (معمدنزاد، 1395: 95).

فضاهای متعدد و متنوع، از سطوح داخلی تا منطقه‌ای و بین‌المللی، کارگاه‌گونه به تکاپو افتاده‌اند و در تولید حقوق اینترنت، ایفای نقش می‌کنند. که در این میان می‌توان به دولت‌ها از جمله قوای مقننه، قضات و رگولاتورها، سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان ملل، اتحادیه ارتباطات دور، یونسکو، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی،

فروم برای راهبری اینترنت، گزارشگر ویژه آزادی بیان، شرکت‌های خصوصی نظیر آیکان<sup>1</sup>، ارائه‌کنندگان خدمات دسترسی به اینترنت و ارائه‌کنندگان محتوا اشاره کرد که البته در این بین، بعضی فعال‌تر عمل می‌کنند.

از مجموع تلاش‌های انجام‌گرفته، می‌توان یک روند همسو را در عرصه چارچوب‌گذاری برای اینترنت مشاهده کرد. برای فضای نوین، ابتدا اصول پایه‌ای «میراث» گونه در نظر گرفته شده (معمدنژاد، 1395: 59) و سپس تأکید سفت و سخت، بر تقویت حقوق کاربران بوده است. البته، منافع دیگری نیز مطرح هستند از جمله منافع دولت‌ها از یک طرف و منافع بخش خصوصی از طرف دیگر.

اما از آنجا که اولین دغدغه، تأمین هر چه بهتر حقوق کاربران است، سعی بر این شده است که قبل از هر چیز نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌ها از یکدیگر تفکیک و مشخص شوند. در نهایت، ایجاد تعادل میان منافع متعدد و متضاد از اولویت‌ها در فضای یادشده است.

گفتار دوم بخش دوم بر فضای نوین، حقوق بنیادی فرد بشری و ضرورت نوآوری تأکید دارد. تکنولوژی‌های دیجیتال و به‌طور خاص اینترنت، دارای توانایی‌های زیادی در جهت رشد و پیشرفت هستند و نوآوری‌های متعددی را به‌دنبال می‌آورند، اما سؤال اینجاست که چه‌طور می‌توان در این فضای نوین، شرایطی را فراهم آورد که به موازات نوآوری‌ها، به حقوق بنیادی افراد نیز احترام گذاشته شود.

صحبت از ایجاد «همزیستی» میان نوآوری از یک‌سو و حمایت از حقوق بنیادی از سوی دیگر است (Geffray, 2016: 8). جالب‌تر اینکه در جوامع دموکراتیک، موضوع، به‌گونه دیگری مطرح می‌شود؛ پیش‌شرط نوآوری، وجود یک فضای اخلاقی و حقوقی توأم با اعتماد است. به بیان دیگر، اگر حقوق و آزادی‌های افراد رعایت شوند، امنیت حقوقی بخش خصوصی نیز تأمین گردد و دولت‌ها هم به حقوق و وظایف خود واقف باشند، آن اعتماد لازم در جامعه دیجیتال برقرار می‌شود و فعالیت‌های اجتماعی، تجاری و اقتصادی هم رونق پیدا می‌کنند.

قانونگذاری‌ها و هنجارسازی‌ها نیز در همین راستا انجام گرفته‌اند. به‌همین سبب است که در سطح اتحادیه اروپا، متوجه شدند «بازار مشترک دیجیتال» تنها هنگامی شکوفا می‌شود که بتوان اعتماد کاربران را جلب کرد. در نتیجه، از سال 2012 به این فکر افتادند که حمایت از داده‌های شخصی افراد را تقویت کنند و به‌همین جهت، آیین‌نامه جدیدی در این زمینه، در سال 2016 به‌تصویب رساندند که جایگزین مصوبه قبلی 1995 شد؛ آیین‌نامه‌ای که ارزش بالاتری نسبت به دستورالعمل قبلی دارد.

<sup>1</sup> - Icons

در بند یکم گفتار دوم بخش دوم تأکید می‌شود که حق برخورداری از حمایت داده‌های شخصی «حق زیربنایی»<sup>1</sup> است. از این نظر، اولین و مهم‌ترین دغدغه در حقوق اینترنت، تأمین حقوق افراد است (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا مصوب سال 2016 در مورد «آزادی اینترنت»). نه تنها ضرورت حمایت از حقوق و آزادی کاربران مورد نظر است، بلکه هدف توانمندکردن آنهاست؛ به نوعی که قادر شوند به صورت «شهروندان اینترنتی» فعال و واقف به حقوق و مسئولیت‌های خود در آیند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا مصوب سال 2016 در مورد «اینترنت شهروندان»).

اکثر اصول پایه در حقوق اینترنت - که تعداد زیادی از آنها اولین بار در دل سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یا توسط قضات مستقل شکل گرفته‌اند- ایده حمایت از فرد بشری را دنبال می‌کنند؛ از جمله می‌توان از اصولی نظیر اینترنت به عنوان منبع عمومی جهانی، اینترنت به عنوان خدمت عمومی، اصل بی‌طرفی اینترنت، حق دسترسی به اینترنت، آزادی اینترنت، جهانشمولی اینترنت و ضرورت حفظ تمامیت آن نام برد. اما، در میان حقوق و آزادی‌های بنیادی افراد مطرح در فضای نوین، حقی به عنوان «حق زیربنایی» شناخته شده است (Geffray, 2016: 8)؛ حقی که پیش‌شرطی برای دیگر حقوق به شمار رفته یا همان «حق برخورداری از حمایت داده‌های شخصی» است (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، همان). در عصر انفجار داده‌ها و تبعاتی که این امر می‌تواند به همراه داشته باشد، کاملاً منطقی است که اولین اقدامات در جهت حمایت هرچه قوی‌تر از داده‌های شخصی افراد انجام پذیرد. نه تنها سعی بر این است که حق مذکور از حق دیگری، یعنی «حق برخورداری از زندگی خصوصی»، کاملاً تفکیک شود، بلکه تلاش شده است تا از مفهوم تدافعی به صورت حقی با محتوای مثبت درآید (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، همان). در این راستا، به جای «حق بر حمایت از داده‌های شخصی»، مفهوم جدیدتری، تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت برای داده‌های شخصی» (یا اطلاعات شخصی)، به کار گرفته شود؛ به این معنا که فرد بر داده‌های شخصی‌اش تسلط و کنترل داشته باشد و خود در مورد انتقال و یا استفاده از آنها تصمیم می‌گیرد. البته این مفهوم اولین بار در سال 1983 توسط دیوان عالی فدرال آلمان ابداع شده و هم و غم آن، تقویت «برتری» فرد است. به دنبال این مفهوم، حقوق جدید دیگری نیز شکل می‌گیرند؛ از جمله حق بر فراموشی یا حق پس گرفتن داده‌ها. همان‌طور که در بالا گفته شد، تحولات یادشده را بیشتر در سطح حقوق اتحادیه اروپا می‌توان مشاهده کرد.

در بند دوم این گفتار در بخش دوم، فضای نوین و نقش دولت‌ها در کانون توجه و بررسی قرار

<sup>1</sup> - Droit D'infrastructure

دارد. در حالی که در ابتدا در مورد جایگاه دولت‌ها در فضای نوین، تردید وجود داشت، امروزه بیش از پیش، بر اهمیت وظیفه دولت‌ها در چارچوب‌دادن به این فضا، در راستای دموکراسی، حقوق بشر و قانونمندی تأکید می‌شود. نه تنها دولت‌ها نباید منفعل بمانند، بلکه از آنها توقع هست که اقدامات مثبت در این جهت انجام دهند (مصوبه شورای اروپا در مورد «آزادی اینترنت»، همان).

ضرورت به‌روزرکردن قوانین قدیمی یا تدوین قانون جدید در این حوزه، وظیفه حمایت از حقوق افراد، الزام به پیگیری‌های لازم در صورت خدشه‌دارشدن حقوق یادشده، مبارزه با تروریسم یا با سوء استفاده‌های دیگر با در نظر داشتن حقوق مردم، توانمندساختن کاربران و در خدمت منافع عمومی در آوردن تکنولوژی‌های نوین از جمله وظایف و مسئولیت دولت‌ها در فضای نوین به‌شمار می‌رود («راهبری اینترنت - راهبرد شورای اروپا 2016-2019، دموکراسی، حقوق بشر و دولت قانونمند در دنیای دیجیتال).

یکی از بیشترین تأکیدها در این زمینه را در کارهای شورای اروپا می‌توان مشاهده کرد. از آنجایی که این سازمان، برای اینترنت ارزش «خدمت عمومی» (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «راهنمای حقوق بشر برای کاربران اینترنتی» 2014 و توصیه‌نامه همین سازمان در مورد «اقدامات جهت ارتقا ارزش خدمت عمومی اینترنت» 2007) قائل می‌شود، برای دولت‌ها مسئولیت‌های بی‌شمار در نظر گرفته‌است.

در بند سوم این گفتار از بخش دوم، بخش خصوصی، مورد بحث قرار می‌گیرد و از ضرورت حضور تا توجه به حقوق بشر یاد می‌شود. در این بند، بر اهمیت حضور بخش خصوصی در فضای نوین به دفعات تأکید شده است. در این میان، می‌توان از یک‌طرف به شرکت امریکایی آیکان که نقش مهم در اعطای نام‌های دامنه ایفا می‌کند و از طرف دیگر به شرکت‌هایی اشاره کرد که به ترتیب، دسترسی به اینترنت و نیز ارائه خدمات را میسر می‌سازند.

شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات یا همان پلتفرم‌ها<sup>1</sup>، دسترسی به محتوا، کالاها و یا خدماتی را که خود تولید نکرده‌اند، ممکن می‌کنند و به‌عنوان واسطه، شناخته شده‌اند که از جمله می‌توان از موتورهای جستجو و یا شبکه‌های اجتماعی نام برد. در نقش مؤثر شرکت‌های ذکرشده در تحقق حقوق و آزادی‌های افراد، جای شک نیست. با این وجود، حداقل در سطح کشورهای اروپایی، سعی شده است به‌منظور تحقق هر چه بیشتر حقوق مردم، مسئولیت‌ها و الزاماتی به عهده اینها گذاشته شود. هر چند اصرار بر این است که آزادی عمل شرکت‌های یادشده، بیش از آن چیزی که لازم است، محدود نگردد؛ به‌طور نمونه، در سطح شورای اروپا از شرکت آیکان

<sup>1</sup> - Platforms



دعوت شده حقوق بشر و حاکمیت قانون را در نظر داشته باشد (اعلامیه شورای اروپا در مورد «ایکان، حقوق بشر و دولت قانونمند»، 2015). در مورد آپراتورهای ارتباطات الکترونیک که شرایط دسترسی مردم به اینترنت را فراهم می‌کنند، الزام شده اصل بی‌طرفی اینترنت را رعایت کرده تا به این ترتیب در جریان ترافیک داده‌ها تبعیض ایجاد نشود (رجوع شود به آیین نامه 2015 اتحادیه اروپا در مورد «اینترنت باز»).

پلاتفورم‌ها، از آن جهت که به‌عنوان «واسطه‌های فعال» شناخته شده‌اند، ملزم به رعایت اصولی همچون وفاداری و شفافیت هستند. در مجموع، اصرار بر این است که بخش خصوصی حقوق بشر را رعایت کند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «حقوق بشر و شرکت‌های خصوصی»، 2016). از جمله «اصول راهبردی سازمان ملل در مورد شرکت‌های خصوصی و حقوق بشر» که مصوب سال 2011 است. در این خصوص به دولت‌ها توصیه شده است که بر عملکرد شرکت‌ها اعمال کنترل کنند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «حقوق بشر برای کاربران اینترنتی»، 2014).

در گفتار سوم از بخش دوم، درباره حقوق دیجیتال در راستای اهداف توسعه پایدار بحث می‌شود. در این گفتار در دو بند بحث‌ها دنبال می‌شوند؛ در بند یکم، بررسی تطبیقی صورت می‌گیرد و بند دوم، عناصر حقوقی سرعت‌بخش توسعه، مورد توجه‌اند. در بحث تطبیقی با بررسی روند قانونگذاری‌ها در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه دیجیتال، می‌توان گفت که قدم‌های مثبتی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برداشته شده‌اند. هرچند تا رسیدن به آن نقطه مطلوب، هنوز راه طولانی باقی است.

بسیاری از کشورها در قوانین داخلی، استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در نظر داشته، مطابق با اهداف یادشده پیش رفته‌اند. حتی گاه پیش‌قدم نیز بوده‌اند که البته این موضوع، بیشتر شامل کشورهای توسعه‌یافته با سنت دیرینه دموکراسی و قانونمندی است. کشورهای که در زمینه حقوق رسانه‌های سنتی نیز از خیلی قبل، دغدغه منافع عمومی و شهروندان را داشته‌اند و حال در زمینه تکنولوژی‌های نوین نیز منافع مردم را در اولویت قرار می‌دهند؛ از جمله می‌توان به کشور فرانسه که در بخش بعدی مورد مطالعه قرار گرفته است، اشاره کرد. به موازات این کشورها، کشورهایی هستند که به لحاظ تکنولوژی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند و عملاً گام‌هایی در راستای توسعه پایدار برداشته‌اند و تنها نیاز است قانونگذاری‌های لازم را انجام دهند که نمونه آن کشور خودمان ایران است. در نهایت، کشورهایی قرار گرفته‌اند که هنوز تکنولوژی‌های کافی را نداشته و در نتیجه، ضرورت چارچوب‌گذاری را احساس نمی‌کنند.

بررسی تطبیقی قانونگذاری‌ها در عرصه دیجیتال، این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به مجموعه‌ای از عناصر حقوقی دست یافت که توسعه را سرعت می‌بخشند (بند دوم) و از

مجموعه‌ای از موضوعات و عناصری یاد کرد که می‌توانند به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش داشته باشند و حتی تا جای ممکن، از آنها الگوبرداری کرد. قبلاً طی این مقاله و یا در دیگر تألیفات (معمدنژاد، 1395) به آنها مفصل پرداخته شده است که در اینجا به‌صورت پراکنده به آنها اشاره می‌شود. اینترنت خدمت عمومی، اصل بی‌طرفی اینترنت، آزادی اینترنت، حق دسترسی به آن، قانونمندی، حقوق بشر و دموکراسی در فضای نوین، توجه به حقوق کاربر، شهروندی اینترنتی، حمایت پیشرفته از داده‌های شخصی، توجه به افراد آسیب‌پذیر، پوشش‌دهی مناطق دور دست، تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، تأسیس نهاد مستقل جهت حمایت از داده‌های شخصی کاربران، تأسیس نهاد مستقل در عرصه ارتباطات الکترونیک، تأکید بر وظایف دولت‌ها، تأکید بر وظایف بخش خصوصی، ارتقاء دولت شفاف و باز و فراهم‌آوردن شرایط جریان آزاد داده‌های دولتی از جمله اصول، مفاهیم و یا نکاتی هستند که توسط بعضی از قانونگذاران، مورد توجه قرار گرفته و در رسیدن به اهداف توسعه پایدار تأثیر بسزا دارند.

### «جمهوری دیجیتال» نمونه‌ای از قانونگذاری در عرصه دیجیتال

در بخش سوم، این نکته بررسی می‌شود که ضرورت به‌روزرکردن قوانین همسو با دگرگونی‌های تکنولوژیک از وظایف دولت‌هاست. دولت‌ها که با وجود پدیده جهانی شدن، کماکان دارای اختیارات وسیعی بوده (Auby, 2010: 136) و رگولاتور، نه‌تنها در زمینه روابط اجتماعی و جریان‌های اقتصادی، بلکه تضمین‌کننده حقوق بنیادی افراد و تأمین‌کننده نظم عمومی هستند (Sauve, 2015: 1). با توجه به ویژگی «خدمت عمومی» اینترنت (توصیه‌نامه شورای اروپا در این زمینه مصوب سال 2007) و اینکه دسترسی به آن امروزه برای انسان‌ها یک نیاز به‌شمار می‌رود، وظیفه‌ای برای دولت‌ها به‌دنبال آورده، ملزم به انجام اقدامات ضروری در این زمینه هستند.

قانونگذاری نیز از جمله اقدامات مثبت در این حوزه است و فرانسه اولین کشوری نیست که قوانینش را در راستای یادشده، نو می‌کند، اما بررسی تجربه قانونگذاری این کشور به‌دنبال تصویب قانون جمهوری دیجیتال در اکتبر سال 2016، به این دلیل جالب به‌نظر می‌رسد که شرایط را برای عملی کردن اهداف توسعه پایدار فراهم کرده است. این بخش سه گفتار دارد. در گفتار یکم، محورهای مهم قانون «جمهوری دیجیتال»، بررسی می‌شود. گفتار دوم بر این محور تأکید دارد که فرانسه پیشگام است یا دنباله‌رو و گفتار سوم به جمهوری دیجیتال، دولت باز و توسعه پایدار می‌پردازد.

در گفتار یکم محورهای مهم قانون «جمهوری دیجیتال» در کانون توجه است که به‌طور

بی‌سابقه ای بعد از مشورت با مردم، به تصویب رسید.<sup>1</sup> مطابق با ارزش‌های جمهوری این کشور که به ترتیب «آزادی، برابری و برادری» هستند (رجوع شود به اصل 2، بند 4، قانون اساسی کنونی این کشور مصوب 1958)، حول سه محور که قبلاً در «راهبرد دیجیتال دولت»<sup>2</sup> پیش‌بینی شده بودند، تدوین شد.<sup>3</sup>

این محورها به ترتیب معرفی می‌شوند. قبل از آن اضافه می‌شود که قانونگذار در جهت تحقق هر چه بهتر اهداف در نظر گرفته‌شده، اختیارات مقامات مستقل اداری را که از قبل وجود داشتند؛ همچون کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها<sup>4</sup> که حمایت‌کننده داده‌های شخصی افراد است، مقام رگولاتور ارتباطات الکترونیک و پست<sup>5</sup> و کمیسیون دسترسی به اسناد اداری<sup>6</sup> را افزایش می‌دهد. مقاماتی که نقش رگولاتوری ایفا کرده‌اند، در دل دولت «جزیره‌گونه» دارای استقلال هستند و هم به لحاظ ترکیب و هم به لحاظ اختیارات، ایفای نقش می‌کنند (Chevallier, 2014: 86). این سه محور، به اختصار از این قرارند:

### اولین محور: جریان آزاد داده‌های عمومی و دانش

برداشتن موانع بر سر جریان آزاد داده‌های عمومی و دانش نه تنها موجب شفافیت دولت از یک طرف و تحقق حق بر اطلاعات مردم از طرفی دیگر می‌شود، بلکه آثار مثبتی همچون نوآوری و رشد اقتصاد دیجیتال را به دنبال می‌آورد. در این خصوص موضوعات زیر در نظر گرفته شده‌اند:

- بازشدن داده‌های عمومی<sup>7</sup>: این فرایند قبلاً نیز به صورت محدودتری انجام گرفته بود، به این ترتیب که شهروندان باید به ادارات و سازمان‌های دولتی، درخواستی در این باره ارائه می‌دادند. بازبودن داده‌های عمومی استثنای تلقی می‌شد، در حالی که به دنبال پیش‌بینی‌های جدید، به صورت یک اصل در آمده است که از این پس ادارات، سازمان‌ها و بعضی ارگان‌های خصوصی - که اداره خدمت عمومی را عهده‌دار شده‌اند (از جمله در زمینه حمل و نقل) و به موجب قانون، قاعده فوق شاملشان شده - الزام به علنی کردن داده‌ها دارند، که آن دسته از داده‌هایی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و یا زیست‌محیطی حائز اهمیت بوده، مورد توجه بیشتری

<sup>1</sup> - این مشورت به مدت چند ماه از اکتبر 2014 تا اوایل 2015 انجام گرفت؛ به طوری که از همکاری در ساخت قانون صحبت به میان آورده شده است (Co-Construction).

<sup>2</sup> - La Strategie Numerique du Gouvernement

<sup>3</sup> - باید در نظر داشت که در تاریخی که این مقاله نگاشته می‌شود، آیین‌نامه‌های ضروری هنوز تدوین نشده‌اند.

<sup>4</sup> - Autorites Administratives Independantes

<sup>5</sup> - La Cnil

<sup>6</sup> - ARCEP

<sup>7</sup> - CADA

<sup>8</sup> - Open Data, Ouverture Des Donnees Publiques

هستند. در این زمینه، الزاماتی نیز برای تقسیمات کشوری پیش‌بینی شده که قرار است در آینده، وسعت بیشتری پیدا کند. در دسترس قرار دادن داده‌ها باید با رعایت بعضی نکات؛ از جمله رعایت زندگی خصوصی افراد و حقوق مالکیت صنعتی انجام پذیرد. در اینجاست که نقش دو نهاد یادشده کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها و همچنین کمیسیون دسترسی به اسناد اداری، تقویت شده است.

- تأسیس سازمانی تحت عنوان «خدمت عمومی داده»: به‌موجب پیش‌بینی قانون، رسالت جدیدی با وجه خدمت عمومی برای دولت به‌منظور سهولت‌بخشیدن به استفاده مجدد از داده‌ها، توسط ارگان‌ها، انجمن‌ها، محققین و... و تضمین کیفیت آنها در نظر گرفته شده است.
- دسترسی آزاد به تحقیقات انجام‌گرفته با کمک دولت: نتایج تحقیقاتی که بیش از 50 درصد آنها توسط دولت تأمین مالی شده باشد، بعد از مدت شش تا دوازده ماه، می‌توانند توسط مؤلفان در دسترس عمومی قرار بگیرند. همچنین، امکان انجام تحقیقات از طریق جستجو در داده‌های عمومی، تحت شرایطی مجاز شده است.
- تبادل داده‌ها میان ادارات و سازمان‌های دولتی: در حالی که در گذشته، چنین تبادلی با سختی و به‌دنبال تشریفات زیاد انجام‌پذیر بوده، با تصویب قانون جدید، با سهولت ممکن شده است.

### دومین محور: تقویت حقوق افراد و حمایت بیشتر از آنها در جامعه دیجیتال

- فضای دیجیتال مورد نظر قانونگذار، فضایی باز است که در عین حال، زندگی خصوصی افراد را مورد احترام قرار می‌دهد. اصول متعددی به تقویت حقوق کاربران و حمایت از آنها پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به‌ترتیب زیر آنها را بر شمرد:
- اصل بی‌طرفی اینترنت<sup>۱</sup>: به موجب این اصل، اپراتورهایی که موجبات دسترسی افراد و شرکت‌ها را به اینترنت فراهم می‌آورند، باید بدون تبعیض عمل کنند.
- حق بازپس‌گیری داده‌ها و انتقال آنها<sup>۲</sup>: از این پس، کاربران خواهند توانست داده‌های خود را از ارائه‌کنندگان خدمات (به‌طور نمونه شبکه‌های اجتماعی)، پس گرفته و آنها را به ارائه‌کننده جدیدی انتقال دهند.
- حق بر فراموشی دیجیتال برای کودک<sup>۳</sup>: به‌صورت خاص، مورد توجه قرار گرفته تا در صورت لزوم، کودک بتواند تقاضای پاک‌کردن داده‌هایش را از موتورهای جستجو داشته باشد.

<sup>1</sup> - Service Public De La Donnee (SPD)

<sup>2</sup> - Principe de Neutralite

<sup>3</sup> - Le Droit a La Portabilite

<sup>4</sup> - le Droit a L'oubli Numerique

- حق بر مرگ دیجیتال<sup>1</sup>: به‌موجب آن هر فردی قادر خواهد بود همانند آنچه در مورد وصیت آمده، برای سرنوشت اطلاعات و داده‌های شخصی خود - که برخط<sup>2</sup> منتشر شده - پس از فوت، تصمیم‌گیری کند.
- قاعده سِرّی بودن مکاتبات خصوصی<sup>3</sup>: همچون اصل سِرّی بودن نامه‌های پستی اشخاص، مورد تأکید قرار گرفته است، که شامل نامه الکترونیکی و دیگر خدمات مکاتباتی خصوصی در فضای نوین می‌شود.
- سخت‌گیری بیشتر برای افرادی که مبادرت به «انتقام پورنوگرافیک» می‌کنند<sup>4</sup> در نظر گرفته شده است.
- به‌منظور حمایت هر چه بیشتر از حقوق کاربران (به‌عنوان مصرف‌کننده)، ارائه‌کنندگان خدمات یا همان «پلاتفورم‌ها» - که واسطه‌های فعال به‌شمار می‌روند - ملزم به رعایت اصولی همچون وفاداری، دقت و شفافیت شده‌اند. همچنین، سایت‌هایی که در مورد خدمات ارائه‌شده توسط افراد و یا شرکت‌ها «نظر» می‌دهند، موظف شده‌اند کنترل‌های لازم را در این خصوص انجام دهند.
- همان‌طور که ملاحظه شد، در مجموع، تلاش در جهت توانمندکردن کاربران بوده؛ از یک‌سو حق دسترسی به اینترنت<sup>5</sup> به‌صورت غیر مستقیم با توجه به اصل بی‌طرفی که از آن یاد شد، در نظر گرفته شده است، از سوی دیگر، حق تعیین سرنوشت برای اطلاعات و داده‌های شخصی<sup>6</sup> و یا همان حق تسلط بر داده‌های دیجیتال شخصی نیز تقویت شده است، اما کاربران، مصرف‌کننده نیز بوده‌اند و در نتیجه، از این زاویه نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

#### سومین محور: دسترسی دیجیتالی برای همه

تلاش قانونگذار بر محرومیت‌زدایی بوده است؛ به‌صورتی که هیچ‌کدام از تقسیمات کشوری و هیچ‌یک از افراد آسیب‌پذیر یا معلول، از جامعه دیجیتال و مزایای آن محروم نمانند. سرعت‌بخشیدن در ایجاد پوشش دیجیتال کشور از جمله از طریق فیبرنوری، به رسمیت

<sup>1</sup> - Droit a La Mort Numerique

<sup>2</sup> - online

<sup>3</sup> - Confidentialite des Correspondances Electroniques

<sup>4</sup> - مجازات 2 سال زندان و پرداخت 60 هزار یورو برای ارتکاب «Revenge Porn».

<sup>5</sup> - حق دسترسی به اینترنت، اولین بار توسط دیوان عالی فدرال امریکا در سال 1997 و سپس توسط شورای قانون اساسی فرانسه در سال 2009 به رسمیت شناخته شد.

<sup>6</sup> - حق تعیین سرنوشت برای اطلاعات و داده‌های شخصی برای افراد در سال 1983 توسط دیوان عالی فدرال آلمان به رسمیت شناخته شد.

شناختن «حق بر فیبر»<sup>1</sup> برای فرد مستأجر یا مالک آپارتمانی - به نحوی که بتواند تقاضای اتصال به شبکه فیبرنوری را بکند - افزایش اختیارات مقام رگولاتور ارتباطات الکترونیک و پست<sup>2</sup>، پیش‌بینی مجازات سنگین‌تر برای آپراتورهایی که در جهت انجام پوشش یادشده، تعلل می‌ورزند، از جمله اقدامات تقنینی برای مجهز کردن کشور به تکنولوژی دیجیتال و اینترنت پر سرعت به‌شمار می‌روند. همچنین، برای افراد معلول، تمهیداتی اتخاذ شده است تا بتوانند با سهولت بیشتر به تکنولوژی دسترسی داشته باشند و در آخر برای افراد کم‌درآمد، این امکان در نظر گرفته شده است تا در صورت عدم پرداخت قبض بتوانند به‌صورت موقت به اینترنت متصل بمانند<sup>3</sup> تا اینکه پاسخی از مسئولین محلی جهت اراده کمک داده شود. شرکت ارائه‌کننده دسترسی به اینترنت موظف شده تا آن موعد، اتصال را حفظ کند.

در گفتار دوم از بخش سوم، از فرانسه به‌عنوان پیشگام یا دنباله‌رو یاد می‌گردد. با رجوع به تاریخ، مشاهده می‌شود که کشور فرانسه در زمینه‌های متعدد و به‌صورت خاص در حوزه حقوق، پیشگام بوده است. به‌طور نمونه، در زمینه حقوق بشر، اعلامیه معروف حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر را در سال 1789 و یا قانون معروف مربوط به آزادی مطبوعات را در 29 ژوئیه سال 1881 به‌تصویب می‌رساند. در زمینه حقوق تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و نیز حداقل در ابتدا در سال‌های 1970 که موضوع حقوق انفورماتیک مورد استفاده سازمان‌ها و ادارات قرار می‌گیرد، قانونگذار فرانسوی، به‌منظور حمایت از داده‌های شخصی افراد به تکاپو افتاده و حداقل در سطح منطقه اروپا اولین قانون در این حوزه را در 6 ژانویه 1978، تحت عنوان «انفورماتیک و آزادی‌ها» به‌تصویب می‌رساند و در راستای حمایت هرچه بیشتر از داده‌های شخصی، مقام رگولاتور مستقل نیز در این زمینه تأسیس می‌کند. گفته می‌شود شورای اروپا و اتحادیه اروپا در این خصوص، از کشور فرانسه الهام گرفتند و به‌ترتیب؛ کنوانسیون 28 ژانویه 1981 و دستورالعمل 24 اکتبر 1995 را به‌منظور حمایت از داده‌های شخصی تدارک دیدند که البته این هنگامی است که رفته‌رفته، اینترنت هم وارد بازار می‌شود. اضافه می‌شود که فرانسه عضو هر دو سازمان منطقه‌ای یادشده است. شورای اروپا شامل 47 دولت عضو، بیشتر رسالت حقوق بشری داشته، در حالی که اتحادیه اروپا دارای 28 دولت عضو، بیشتر اهداف اقتصادی دارد. به‌نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، اتحادیه اروپا در چارچوب‌گذاری برای فضای نوین، سبقت گرفته، مصوبات متعددی در این عرصه تدارک دیده و در مجموع، بسیار فعال عمل کرده است. برای نمونه، این نهاد در سال 2016 آیین‌نامه جدیدی در زمینه

<sup>1</sup> - Droit a La Fibre

<sup>2</sup> - ARCEP

<sup>3</sup> - Droit Au Maintien De La Connexion internet

حمایت از داده‌های شخصی به تصویب رساند که جایگزین دستورالعمل فوق‌الذکر 1995 شد و البته قرار است تنها در سال 2018 به اجرا گذاشته شود. در سال 2015 نیز آیین‌نامه جدیدی تحت عنوان «اینترنت باز»<sup>1</sup> به تصویب رساند.

فرانسه نیز برای اینکه از قافله عقب نمانده باشد، قانون «جمهوری دیجیتال» را به تصویب رساند. بی‌دلیل نیست که صحبت از «گفتگوی غنی» میان حقوق اروپا و حقوق داخلی دولت‌های عضو می‌شود (9: Geffray, 2016).

جمهوری دیجیتال، دولت باز و توسعه پایدار در گفتار سوم به این نکته می‌پردازد که قانون جمهوری دیجیتال، عملی کردن فرایند دولت باز را نیز فراهم کرده که این مسئله، گذشته از عناصری که قبلاً ذکر شد، نقش مهمی در راستای تحقق اهداف برنامه توسعه پایدار دارد. باید گفت که فرانسه به‌تازگی (در سال 2014) عضو سازمان همکاری در زمینه دولت باز شده است (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه: «دیجیتال و حقوق بنیادی» 2014).

مفهوم دولت باز در سال 2009 در امریکا شکل گرفت؛ یعنی هنگامی که رئیس‌جمهور تازه منتخب مردم (باراک اوباما)، پیشنهادی در این مورد ارائه داد و از دولت و آژانس‌های وابسته به آن دعوت به عمل آورد که با شهروندان، ارتباط شفاف‌تری برقرار سازند. در سال 2011، هشت کشور پایه‌گذاری یک همکاری را در این زمینه آغاز کردند. امروزه، گذشته از 69 کشور عضو، نماینده‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی نیز به این مجموعه ملحق شده‌اند. هر یک از کشورهای عضو، برنامه عملی برای انجام اهداف این سازمان تدارک می‌بینند؛ از جمله رسالت‌های این سازمان، همکاری برای ارتقاء شفافیت عملکرد دولت‌ها، مبارزه با فساد، به‌کارگرفتن تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات برای تقویت حکومت باز، نوآوری و پیشرفت، مشارکت دادن شهروندان در امور عمومی (از جمله در تدوین قوانین)، در دسترس گذاشتن منابع دیجیتال (از جمله آسان کردن دسترسی به مصوبات حقوقی، آمار دولتی، شفاف‌سازی مخارج دولتی) است. از 7 تا 9 دسامبر 2016 نیز اجلاس جهانی سازمان یادشده، به ریاست فرانسه در شهر پاریس برگزار شد.

### نتیجه‌گیری:

تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات می‌توانند نقش مهمی در تحقق اهداف توسعه پایدار - که در سال 2015 توسط سازمان ملل متحد در چشم‌انداز سال 2030 تعیین گردیده است - ایفا کنند. به این ترتیب، انقلاب دیجیتال، قادر است راه‌حلی برای مشکلات جهانی به‌همراه بیاورد، اما برای اینکه بتوان از توانایی تکنولوژی‌های یادشده، به نفع جامعه، اقتصاد و

<sup>1</sup> - Internet open

محیط‌زیست برخوردار شد، نیاز به قوانین مناسب وجود دارد؛ قوانینی که مطابق با استانداردها و ارزش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، موانع موجود از جمله دسترسی شهروندان به اینترنت پر سرعت و به خدمات و کالاها را از میان بردارند و همچنین در بهره‌گیری بخش خصوصی و شرکت‌ها از ابزار نوین، شرایط مناسب را با ایجاد تعادل میان منافع متضاد، برای جامعه اطلاعاتی انسان‌محور همه‌گیر و توسعه مدار، فراهم نمایند.

در امر قانونگذاری برای بهره‌گیری از فن‌آوری‌های دیجیتال، کشورهای توسعه‌یافته اروپایی، در سال‌های اخیر، فعالیت‌های مستمری داشته‌اند. شورای اروپا بیشتر به جنبه‌های حقوق بشری موضوع پرداخته، در حالی که اتحادیه اروپا ایجاد «بازار مشترک دیجیتال» در سطح 28 کشور عضو را پیگیر بوده و به این نقطه رسیده است که برای رونق‌دادن به فعالیت‌های اقتصادی در فضای نوین، می‌بایست قبلاً اعتماد کاربران را جلب کند و از همین رو، به حمایت قوی‌تر از زندگی خصوصی و به‌خصوص داده‌های شخصی آنها مبادرت کرده و حتی فراتر رفته و به آنها این امکان را داده که از این پس، بر سرنوشت داده‌هایشان تسلط بیشتری داشته باشند.

شکل‌دادن به اقتصادی مبتنی بر داده‌ها، باز و شکوفا که در عین حال هنجارهای مربوط به حمایت از داده‌های شخصی را مورد توجه قرار می‌دهد، از اهداف اتحادیه به‌شمار می‌رود. کشور فرانسه که عضو هر دو سازمان یادشده است، با تصویب قانون جمهوری دیجیتال سعی کرده که مفهوم جمهوریت را در فضای نوین اعمال کند و به‌همین منظور، سه عنصر آزادی نوآوری؛ برابری حقوق کاربران؛ و ضرورت برادری را به‌عنوان خط مشی در نظر گرفته است.

جمهوری دیجیتال باز و همه‌گیر، فضایی است همراه با اعتماد و امنیت، تضمین‌کننده حقوق کاربران و حامی داده‌های شخصی، به‌وجودآورنده فرصت‌ها و مزایای جدید برای همگان که در آن داده‌ها، اطلاعات عمومی و دانش، آزادانه جریان دارند و این خود می‌تواند در رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد.

بعد از اینکه قانونگذار، چارچوب‌های اصلی را برای ایجاد جامعه اطلاعاتی توسعه‌محور در نظر می‌گیرد، نهادهای دیگری وارد عمل می‌شوند و به نظارت‌های ضروری می‌پردازند. «مقامات اداری مستقل» نقش رگولاتوری ایفا می‌کنند و به‌صورت روزمره، میان حقوق بنیادی افراد از یک طرف و نوآوری از طرف دیگر، ایجاد تعادل می‌کنند. در عصر دیجیتال، مقررات‌گذاری باید به‌صورت مستمر خود را با تحول تکنولوژی منطبق سازد (Geffray, 2016: 12). در نهایت، نقش قضات نیز در ایجاد قانونمندی‌های لازم می‌تواند بسیار اثرگذار باشد (معمدینژاد، 1395: 55). در دولت‌های مردمی، تمامی نهادها و به‌خصوص قانونگذار، مقامات اداری مستقل و قضات بر وجه خدمت عمومی تکنولوژی‌های دیجیتال تأکید دارند و آنها را در خدمت منافع عمومی قرار می‌دهند.



## منابع

- معتمدنژاد، رؤیا، (1395)، حقوق جهانی ارتباطات، از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، صص 110 ص.
- معتمدنژاد، رؤیا، (1395)، «حقوق جهانی ارتباطات و دغدغه بشری»، مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری حقوق ارتباطات و رسانه‌ها در ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اعلامیه اصول ژنو، (2003)، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی.
- ده سال بعد از اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، Wsis + 10، اعلامیه نهایی
- معتمدنژاد، کاظم، (1382)، اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی: ژنو 2003- تونس 2005، جلد یکم، تهران، مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- معتمدنژاد، رؤیا، (1391)، «حقوق تطبیقی ارتباطات»، فصلنامه علوم خبری، شماره 3، صص 54-9.
- معتمدنژاد، رؤیا، (1393)، «حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات»، جزوه درسی کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- معتمدنژاد، رؤیا، (1390)، «نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا»، مجله حقوق و سیاست، شماره 35، صص 79-110.
- معتمدنژاد، کاظم، (1383)، «یونسکو و سیاست گذاری ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه رسانه، سال پانزدهم، شماره 2، شماره پیاپی 58، صص 5-39.
- معتمدنژاد کاظم، (1374)، «دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو: استراتژی نوین ارتباطی، به‌جای نظم نوین جهانی ارتباطات و اطلاعات با توجه خاص به پیشبرد وسایل ارتباطی آزاد، مستقل و کثرت‌گرا و پشتیبانی مجدد از جریان آزاد اطلاعات»، فصلنامه رسانه، سال ششم، شماره 4، صص 2-15.
- "a France dans La transformation numerique: quelle protection des droits fondamentaux?" , Colloque organise par Le Conseil d'Etat, 6 fevrier 2015, Introduction de Sauve (J.- M.), 7pp.
- " Le Large bande au Service du developpement durable" , theme retenu par L'UIT Pour L'edition 2014 de La Journee Mondiale des Telecommunications et de La Societe de L'informaton ("Broadband for Sustainable Developmenz").

- "Le numerique et les droits fondamentaux", (2014), Conseil d'Etat, Etude annuelle.
- Auby (J.-B.), (2010), La Globalisation, Le droit et L'Etat , paris, L.G.D.J., Lextenso editions, 2eme ed.
- Chevallier (J.), (2014), L'Etat Post-Moderne., Paris, L.G.D.J., 4eme ed.
- Commissaire aux droits de L' Homme, (2014), Conseil de L'Europe, "La Preeminence du droit sur L'internet et dans Le monde numerique en general ", document Thematique.
- Conseil de L'Europe, (2009), Conference: "Liberte d expression et democratie a L' age numerique. Opportunites, droits, responsabilites", Belgrade (Serbie).
- Mansell (R.), Tremblay (G.), (2013), Renouveler la Uision des Societes du Savoir Pour la Paix et le developpement durable, Unesco, 65pp.
- Unesco, Conference, (3-4 mars 2015), "Interconnecter Les ensembles: Options pour L'action Future."
- Geffray (E.), (2016), Droits Fondamentaux et innovation: quelle Regulation a L'ere Numerique? Les Nouveaux Cahiers du Conseil Constitutionnel, N3, pp.5-16.
- Verger (D.), (2015), "2015: Une Anne'e Historique Pour Le Developpement", Etu des, N12.pp.19-29.

#### مصوبات، رویه قضایی، گزارش‌ها، نشانی‌های اینترنتی:

- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «آزادی اینترنت»، 2016.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «آزادی اینترنت شهروندان»، 2016.
- اعلامیه شورای اروپا «آیکان، حقوق بشر و دولت قانونمند»، 2015.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «اصول راهنمای حقوق بشری برای کاربران اینترنتی»، 2014.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «اقدامات در جهت ارتقا ارزش خدمت عمومی اینترنت»، 2007.
- آیین‌نامه اتحادیه اروپا، «اینترنت باز»، 2015.
- آیین‌نامه اتحادیه اروپا، «حمایت از داده‌های شخصی»، 2016.
- آراء قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه تکنولوژی‌های نوین.
- آراء قضایی دادگاه اتحادیه اروپا در زمینه تکنولوژی‌های نوین.
- قانون جمهوری دیجیتال، فرانسه اکتبر 2016.